

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال چهارم، شماره سی و ششم، تیر ۹۶

- * سخنرانی رئیس پژوهشگاه در اجلاس رئیسان و معاونان پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی منطقه یک کشور
- * نشست هفدهم شورای سیاستگذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی»
- * گسترش همکاری‌های پژوهشی با فرماندهی انتظامی تهران بزرگ
- * امضای تفاهم‌نامه پژوهشگاه با دانشگاه هانکوک کره جنوبی
- * پژوهشگاه آمادگی گسترش همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور آلمان را دارد
- * رونمایی از کتاب «خاندان ابراهیم(ع)؛ بازخوانی داستان‌هایی از کتاب پیدایش»
- * گزارش مطالعه میان رشته‌ای «سنت سمات خوانی در تلمود بابلی و آئین‌های شیعی مبتنی برنگره‌های تاریخی، زبان‌شناختی و انسان‌شناختی»
- * اگر کشورهای منطقه به دستاوردهای علوم انسانی توجه می‌کردند، داعش به وجود نمی‌آمد
- * میراث عارفانی چون شمس و مولوی زمینه‌های پیدایش داعش در روزگار ما را از بین می‌بردند
- * نشست «دعا و الگوهای رابطه انسان و خدا»
- * نشست تخصصی به مناسبت «روز قلم»
- * نخستین «هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی»
- * گزارش نشست نقد کتاب «واسازی متون جلال آل احمد؛ سوژه، نهیلیسم و امر سیاسی»
- * کارگاه «زندگی هدفمند: طراحی آینده»
- * نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «بازار کار، بیکاری و امنیت اجتماعی در ایران»
- * نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «ریزگردها و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی در ایران»
- * «ذائقه مخاطب را دریابیم»
- * مدرسه تابستانی با موضوع «تحکیم صلح و نفی خشونت»
- * نشست نقد دستور: «وابسته‌های فعل زبان فارسی»

کاربرد علوم انسانی در جامعه



اجلاس رؤسای و معاونان پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی منطقه یک کشور، روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه، در باغ نگارستان دانشگاه تهران تشکیل شد. در این اجلاس، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، طی سخنانی اهمیت علوم انسانی را متذکر شد و نقش ویژه آن در فرایند توسعه و پیشرفت کشور را بسیار مهم دانست.

وی در آغاز سخنان خود با استناد به بیانات حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه امور انسانی و امور تربیتی در رأس مسائل اسلام است (صحیفه نور، جلد ۱۵، صفحه ۲۵۱) و این سخن رهبر معظم انقلاب اسلامی که «علوم انسانی برای جامعه جهت‌دهنده است؛ فکرساز است؛ حرکت یک جامعه، مسیر یک جامعه، مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند. ما باید هم در حوزه فرهنگ عمومی مردم و برداشت و اعتقاد و

باور عمومی مردم و هم در مورد خاص باور مسئولان، اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم... وقتی این معرفت و باور به وجود آمد، کار آسان خواهد شد» (در جلسه دیدار با اعضای شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۲) چنین باوری می‌تواند راهگشای نگرشی نوین به علوم انسانی و وجه کاربردی آن باشد.

وی با بیان اینکه سخنان خود را در سه سطح «کلیات»، «ظرفیت‌های علوم انسانی در عرصه کاربردی» و «نتیجه‌گیری و پیشنهاد» مطرح خواهم کرد، در توضیح بخش نخست گفت: «در سطح کلیات مفروض آن است که به هر دلیل یا نگاه اقتضایی یا نگاه روزمره یا... متأسفانه علوم انسانی به عنوان یک گفتمان، یک باور، یک راهنما، یک الگوساز در ادبیات علمی کشور مطرح نیست و حل این معضل و مسأله مقدم بر پرداختن به مباحث دیگر است. لذا بحث بنده بر این محور سامان یافته که کارآمدی‌های علوم انسانی را روشن کنیم تا بتوانیم ادعا کنیم که لازم است مبنای باور تصمیم‌گیران در عرصه سیاستگذاری و اقدامات مسئولان واقع شود.»

اهمیت علوم انسانی

دکتر قبادی تأکید کرد: از دیدگاه مقام معظم رهبری، علوم انسانی به اندازه علوم صنعتی و پزشکی مهم است و پیشرفت و نظریه‌پردازی در آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایشان بسیاری از حوادث و اتفاقات دنیا را ناشی از نظریه‌پردازی‌های دانشمندان این رشته‌ها می‌دانند و معتقدند که: «بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها

هستند که شاخص‌ها را مشخص می‌کنند.»

دکتر قبادی در ادامه گفت: «رهبر انقلاب همچنین در پاسخ یکی از دانشجویان که از کم ارزش بودن این علوم در جامعه گلایه می‌کند می‌فرماید: «در همین علوم انسانی، مثلاً تاریخ، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی که خودتان گفتید، پیشرفت کنید، حقیقتاً بدانید ارزش شما در جامعه و در سطح بین‌المللی، از یک پزشک پیشرفته‌تر یقیناً کمتر نیست؛ بلکه بیشتر هم هست. شما اکنون بررسی کنید و ببینید در این چهره‌های علمی معروف دنیا چند تا پزشک هستند، چند تا جامعه‌شناس یا مورخ وجود دارند. می‌بینید که تعداد و برجستگی این دومی بیشتر است. منتها باید کار کنید تا پیش بروید.» از دیدگاه معظم‌له علوم انسانی جهت‌دهنده و فکرساز است و مسیر و مقصد حرکت جامعه را تعیین می‌کند.»

می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تأکید ایشان بر علوم انسانی این است که ایران کشوری در حال توسعه است و برای پیشرفت و توسعه، الگوی کاملی لازم است که مقصد و مسیر براساس آن روشن می‌شود تعیین این الگو و معیارها و شاخص‌های توسعه بر عهده علوم انسانی می‌باشد. چگونگی تفسیر هستی‌شناسانه از انسان و اینکه او را موجودی تک ساحتی و یا دو بعدی بدانیم تأثیر عمیقی بر نظام اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد و بر همین اساس الگوی توسعه تعیین می‌شود.

کاربردهای علوم انسانی

ریاست محترم جمهوری نیز در سال گذشته در جریان برگزاری جشنواره فارابی با بیان اینکه بزرگ‌ترین مسئولیت در حل معضلات جامعه بر عهده علوم انسانی است، اظهار کرد: راه حل مشکلات جامعه ما تنها از طریق علوم تجربی، فنی و پایه نیست؛ و بار این مسئولیت سنگین بر دوش عالمان علوم انسانی و اسلامی است.



در سطح دوم و در پاسخ به این پرسش که علوم انسانی چه کاربردهایی می‌تواند در جامعه داشته باشد؟ می‌توان گفت مهم‌ترین جنبه‌های کاربردهای علوم انسانی در دو ساحت قابل تبیین است: ۱- در ساحت کلان و راهبردی در حوزه نظر؛ (یعنی مسأله‌مداری) ۲- در ساحت خرد و راهکارها - نیازمحور در عرصه جامعه.

علوم انسانی در ساحت کلان

در ساحت اول که ساحت کلان است، جهت‌گیری مجموعه علوم و ساحت معرفت‌شناسی و ساختن نظام معرفتی جامعه و الگوسازی غنی علمی، تقویت علم‌باوری در نهادها، وزارتخانه‌ها و جامعه. سیاست‌گذاری‌ها، پیوندها یا گسست‌های فرهنگی و تمدنی مثلاً بیان نظام آموزش و پرورش یا آموزش عالی با فرهنگ امروز و تکیه بر میراث دیروز و... مد نظر است. در این چارچوب چنان‌که می‌بینیم، تعریف علم جدید و نظریه‌پردازی سامان و قوام جامعه - تبیین تغییرات کلان اجتماعی - فرهنگی و ساماندهی به فهم از جنبش‌های اجتماعی از سوی دانشمندان علوم انسانی صورت می‌گیرد. در واقع، می‌توان مدعی شد اصلاً تعریف از انسان و مسئولیت و وظایف بشر در زمره مشخصه‌های ذاتی علوم انسانی است و تا این امر صورت نگیرد امکان پرورش تفکر خلاق و انتقادی، و تخیل نوآوری و فناوری‌های جدید برای دانشمندان علوم دیگر میسر نیست. اساساً برای انسان که یک موجود متفکر است آفرینش اهلیت برای فکر کردن کاری است که در حوزه علوم انسانی صورت می‌گیرد.

موارد پژوهش و آموزش علوم انسانی

در ساحت دوم که ساحت خرد، نیازمحور و تقاضاگراست، مواردی را می‌توان در زمره پژوهش و آموزش علوم انسانی دانست که برخی از آنها بدین شرح‌اند:

۱. فرهنگ حفظ محیط زیست و صیانت از آن
۲. منابع و سرمایه‌های ملی - حقوق دریاها، حقوق مرزی و...
۳. ارتقای سطح اعتماد عمومی، افزایش سطح تحمل یکدیگر، تعمیق فرهنگ گفتگو و الگوی رفتار تعاملی، صیانت از سرمایه‌های انسانی، تقویت مناسبات و شبکه‌های نخبگانی و خلق سرمایه‌های

اجتماعی

۴. تقویت هویت ملی و سیاست‌گذاری فرهنگ ملی، به‌ویژه در امور مربوط به جوانان و پیوندهای فرهنگی آنان با میراث‌ها به‌ویژه با تکیه بر ادبیات بی‌نظیر فارسی

۵. برنامه‌ریزی در اداره بهتر امور کشور، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی، تمدنی، ازجمله گردشگری، افزایش تولید، اشتغال، رسیدن به توسعه پایدار و متوازن و پایدارسازی توسعه، آفرینش شیوه‌ها، مهارت‌آفرینی، پیوند دادن روشمند دانشگاه و صنعت، ارتقا سطح آگاهی‌های مدیران صنایع و دیگر مدیران برای کسب معرفت دانشگاهی و درک منفعت تعامل با دانشگاه‌ها

۶. تبیین چارچوب‌ها و شیوه‌های بهینه اداره اجتماع

۷. ارتقای فرهنگ مصرف بهینه

۸. ارزش دانستن قناعت در کنار تشویق ثروت‌آفرینی (همان چیزی که در فرهنگ و آداب اقتصاد مقاومتی مد نظر است)

۹. ایجاد یا تقویت فرهنگ سلامت و نفی زمینه‌های بروز و ظهور آسیب به سلامت عمومی

۱۰. فرهنگ کار، تربیت افراد ماهر و خلق مهارت

۱۱. صیانت از اخلاق عمومی و ارتقا و تعالی فرهنگ عمومی

۱۲. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.

جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت: علوم انسانی هم در جستجوی حقیقت و شناخت انسان و ظرفیت‌های وجودی اوست و هم می‌خواهد ضامن تحقق تعالی و اعتلای جامعه باشد که این امر اگرچه متکی به فناوری‌ها و مصنوعات نوین است، در اساس نیازمند پویایی فرهنگی متکی بر میراث تمدنی است که یقیناً هر راهکار رهایی‌بخشی از گره‌های موجود از دل آن قابل استحصال است. بر این اساس، پیشنهاد مجدانه عالمان علوم انسانی کشور آن است که در سنجش میزان کارآمدی علوم انسانی به جای رویکرد مصنوع‌محور، به تحولات اندیشه‌ای و توسعه ظرفیت‌های فهم ابعاد مختلف وجود انسان توجه بیشتری شود و موقعیت علوم انسانی به مثابه علمی که امکان شکل‌گیری علوم دیگر را در ذهن و مخلیه انسان‌ها فراهم می‌آورد به رسمیت شناخته شوند.



گزارش نشست هفدهم شورای سیاست‌گذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی»

نشست هفدهم شورای سیاست‌گذاری «طرح جامع اعتلاء و ساماندهی علوم انسانی، معطوف به پیشرفت کشور» در تاریخ ۲۴ تیرماه ۹۶ در حوزه ریاست پژوهشگاه علوم انسانی با حضور اکثریت اعضا برگزار شد.



در این نشست ابتدا دبیر طرح اعتلاء، دکتر طاهره کمالی‌زاده گزارشی از وضعیت پیشرفت طرح و وضعیت طرحنامه‌های دریافتی ارائه کرد. پس از آن، طرحنامه‌های پیشنهادی از کارگروه تاریخ و کارگروه کاربست که پیشتر فرایند تصویب را در کارگروه و شورای علمی پشت سر گذاشته بودند، مورد بررسی قرار گرفت که با ارائه پیشنهادهایی برای اصلاحات، به تأیید اکثریت اعضای شورا رسید. در ادامه، حاضران به بحث و گفتگو درباره نسبت پژوهش‌های کارگروه تاریخ و کارگروه کاربست پرداختند که با توجه به همین موضوع و تکثر دیدگاه‌ها مقرر شد موضوع با دقت و فرصت بیشتر در جلسات آتی مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.



در این جلسه دکتر قبادی، دکتر بهشتی، دکتر داوری اردکانی، دکتر مصلح، دکتر ملایی‌توانی، دکتر اعوانی، دکتر حسینی‌فر، دکتر ربانی‌زاده، دکتر امیری تهرانی‌زاده، دکتر تنکابنی، دکتر معین‌زاده، دکتر براتلو، دکتر دری و دکتر کمالی‌زاده حضور داشتند.



گسترش همکاری‌های پژوهشی با فرماندهی انتظامی تهران بزرگ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و فرماندهی انتظامی تهران بزرگ به‌منظور شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی و تحقیقاتی متقابل جهت عقد تفاهم‌نامه جلسه‌ای در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۹۶ تشکیل دادند. در این جلسه با حضور دکتر امیری‌تهرانی (مدیر امور پژوهشی) و آقای مینایی (رئیس گروه جامعه و امنیت) از سوی پژوهشگاه و سرهنگ بنیادی (رئیس اداره پژوهش دفتر تحقیقات کاربردی) و سرهنگ رضایی، زمینه‌های همکاری متقابل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سرهنگ بنیادی آمادگی فرماندهی تهران بزرگ جهت حمایت از طرح‌های پژوهشی در قالب اولویت‌های پژوهشی ناجا را اعلام کرد که به دو صورت حمایت از پژوهش‌های دانشجویی در قالب کسر خدمت و حمایت از طرح‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی در قالب کمک‌های مالی قابل انجام خواهد بود.

وی همچنین آمادگی ناجا جهت همکاری مشترک در جهت ترجمه و تألیف کتاب؛ برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌ها و... را اعلام کرد که مورد استقبال پژوهشگاه قرار گرفت.

در نهایت مقرر گردید مقدمات انعقاد تفاهم‌نامه با توجه به موضوعات مورد توافق دو طرف، صورت پذیرد تا زمینه همکاری‌های مشترک بیشتر فراهم گردد.



تسلیت

جناب آقای دکتر قیس آل قیس
ضایعه درگذشت همسر مکرمه جنابعالی را تسلیت عرض کرده و از خداوند قادر و منان برای آن مرحومه، غفران الهی و علو درجات و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

جناب آقای ایوب بایرام‌زاده
ضایعه درگذشت پدر مکرم جنابعالی را تسلیت عرض کرده و از خداوند قادر و منان برای آن مرحوم غفران الهی و علو درجات و برای شما و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

انتصاب

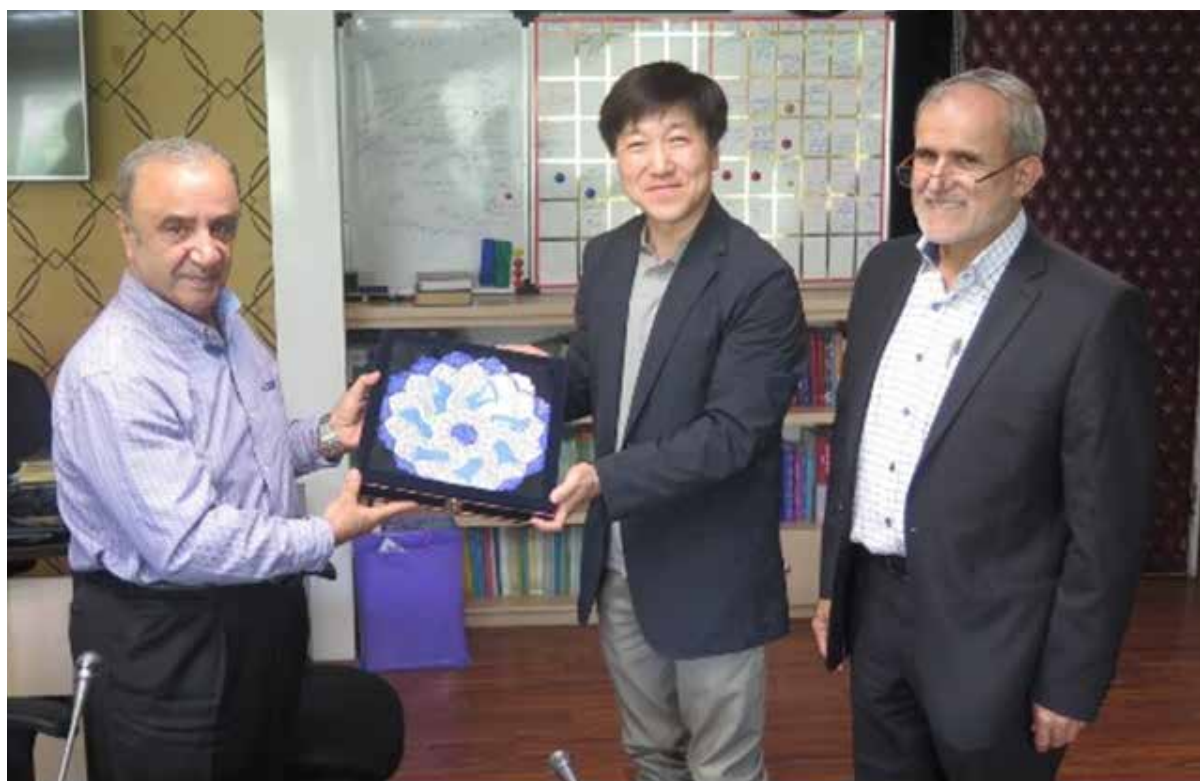
دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، طی احکامی دکتر محمدسالار کسرابی را به سمت «معاون فرهنگی و اجتماعی» و آقای مهدی جعفری را به سمت «سرپرست امور اداری و پشتیبانی» منصوب کرد.

امضای تفاهم‌نامه پژوهشگاه با دانشگاه هانکوک کره جنوبی

نشست مشترک رئیس پژوهشگاه علوم انسانی با پروفسور دال سیونگیو، استاد دپارتمان زبان فارسی و نماینده دانشگاه مطالعات بین‌المللی هانکوک کره جنوبی برگزار شد. در این نشست دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، بر توسعه و گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی با دانشگاه هانکوک تأکید کرد و پروفسور دال سیونگیو نیز خواهان افزایش تبادلات فرهنگی بین دانشگاه هانکوک و پژوهشگاه علوم انسانی شد.

در ادامه طرفین تفاهم‌نامه‌ای را امضاء کردند که از زمینه‌های همکاری پژوهشگاه و دانشگاه هانکوک (کره جنوبی) مورد نظر در این تفاهم‌نامه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- همکاری و مشارکت در اجرای طرح‌های تحقیقاتی در زمینه مطالعات ایران‌شناسی، مناسبات فرهنگی و تاریخی ایران و کره جنوبی
 - ۲- فرصت‌های مطالعاتی برای استادان
 - ۳- همکاری و مشارکت در برگزاری سخنرانی‌ها، کارگاه‌های آموزشی، میزگردها، گردهمایی‌های علمی و دیگر فعالیت‌های علمی داخلی یا بین‌المللی مورد توافق طرفین.
 - ۴- تبادل اطلاعات علمی و فراهم کردن امکان دسترسی آسان به منابع علمی شامل کتب، نشریات، و...
 - ۵- تبادل استادان برای برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و بلندمدت.
- لازم به ذکر است، پروفسور دال سیونگیو مقالات متعددی را در مورد ایران به نگارش درآورده است که از آن جمله می‌توان به «بررسی مقایسه‌ای مبانی متافیزیکی نظریه سیاسی در ایران و چین باستان»، «بنیادگرایی خاورمیانه در برابر سرمایه‌داری»، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران»، «خاورمیانه؛ عرصه رویارویی گفتمان سلطه‌جویی و گفتمان سلطه‌ستیزی» و «جهانی شدن و بی‌ثباتی جهانی» اشاره کرد.
- در پایان مراسم نیز دکتر قبادی به رسم یادبود هدیه‌ای به میهمان کره‌ای تقدیم کرد.



پژوهشگاه آمادگی گسترش همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور آلمان را دارد



تأسف حاشیه‌ای‌ترین جریان‌های ایدئولوژیک در جهان اسلام، یعنی داعش به تأثر از کاهش ارتباطات و گفتگوهای فرهنگی و تمدنی میان غرب و شرق، توانسته‌اند بخشی از جوانان در کشورهای مختلف را به ایده‌های دهشتناک افراطی خشونت‌آمیز خود متمایل کنند، به وضوح شاهدیم که کمترین میزان جذب نیرو برای این جریان‌های افراطی‌گرا و رادیکال در کشور ایران اتفاق افتاده است و در مقابل، ندای دعوت به «گفتگوی تمدن‌ها» و تلاش برای ساختن «جهانی‌عاری از خشونت و تندروی» از سوی نمایندگان مشروع ایرانیان در جهان طنین افکنده است. به تعبیر دیگر، می‌خواهم بر این نکته تأکید کنم که چه به لحاظ تاریخی، چه به لحاظ فرهنگی و تمدنی و چه به لحاظ آنچه در واقع رخ داده است، ایران همچنان درگاه اصلی برای مقابله فراگیر با خشونت و گسست‌های فرهنگی بین‌المللی است و از این‌رو، بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و تمدنی این کشور در عرصه جهانی می‌تواند به کاهش اضطراب امروز بشر مدد رساند.

روابط همدلانه ایران و آلمان

همان‌گونه که بیان شد، در میان کشورهای غربی، آلمان از اولین و مهم‌ترین کشورهایی است که با درک این ظرفیت‌ها و همچنین با اتکا به اشتراکات فراوان فرهنگی و زبانی، از طلیعه دوران مدرن، نگاهی همدلانه و همکارانه به ایران داشته است و این همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف، از انتقال تجهیزات و فناوری‌های نوین به کشور تا میزبانی بیش از شش هزار دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های مختلف آلمان در حال حاضر، تداوم داشته است و از همین روست که بسیاری از فرهیختگان و دانشمندان ایرانی دهه‌های اخیر یا در آلمان تحصیل کرده‌اند، یا مدتی را در آنجا به پژوهش گذرانده‌اند و یا دست‌کم با زبان آلمانی آشنایی دارند. در مقابل نیز، ایران میزبان بسیاری از پژوهشگران آلمانی بوده است و مهم‌ترین آثار شرق‌شناسانه در دهه‌های اخیر در دپارتمان‌های ایران‌شناسی و با همکاری نهادهای علمی و پژوهشی ایران در آلمان صورت گرفته است و در اثر همین تلاش‌ها و همکاری‌ها

نشست رؤسای دانشگاه‌های برتر ایران و آلمان در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه (۱۲ و ۱۳ تیرماه)، با هدف بهبود بین‌المللی‌سازی و مدیریت همکاری‌های بین دانشگاهی با حضور رؤسای دانشگاه‌های ایران و آلمان در دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد. متن کامل سخنرانی دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، در این نشست در زیر آمده است:

به شما مهمانان عزیز ایرانی و آلمانی خوش آمد می‌گویم ضمن تشکر از اهتمام دانشگاه علامه طباطبائی، برای همه شرکت‌کنندگان در این اجلاس آرزوی موفقیت دارم. به عنوان رئیس بزرگترین سازمان پژوهشی علوم انسانی در ایران، می‌خواهم در این فرصت کوتاه، نکاتی را درباره زمینه‌ها و ظرفیت‌های گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی دو کشور متمدن و دارای گنجینه‌های ارزشمند علمی، ادبی و فرهنگی بیان کنم.

به خوبی می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین نموده‌های هر فرهنگ و تمدن و قوام‌بخش زبان آن؛ ادبیات است. از همین روی، سخنان خود را با جلب توجه به همسانی‌ها و اشتراکات جدی زبان و ادبیات ایرانی و آلمانی - چه در زمینه واژگانی و چه ساختارهای دستوری زبان و برخی شاهکارها و حماسه‌ها - آغاز می‌کنم. این اشتراکات تا آنجا عمیق و مورد اتکا است که علاوه بر تشابه حماسه آلمانی با برخی وجوه حماسه‌های ایرانی؛ از میان شاعران و نویسندگان برجسته تاریخ بشر، بزرگ‌ترین شاعر آلمانی - یعنی گوته -؛ مردمی‌ترین و فکورترین شاعر دغدغه‌مند ایرانی - یعنی حافظ - را همراه و همدم و هم‌نوی خویشتن می‌یابد گرچه به گونه‌ای از حافظ سخن می‌گوید که گویی واژگان و مفاهیم مشترک؛ دیوان اشعار آنها را به پدیده‌ای واحد بدل می‌کند که نامی زیباتر از «دیوان شرقی - غربی» برازنده آن نیست و این نقطه آغازی است برای ژرف‌اندیشی در توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی که در چارچوب فرهنگی و علمی برای گسترش همکاری‌های دو کشور وجود دارد.

موقعیت راهبردی ایران

در دهه‌های اخیر، با توجه به موقعیت راهبردی ایران - چه به لحاظ جغرافیایی و چه به لحاظ انباشت تجربه‌ها و گنجینه‌های فرهنگی و تمدنی - توجه اروپاییان به ایران بیش از پیش گسترش یافته است و به این کشور که پلی ارتباطی میان غرب و شرق عالم تمدنی را شکل می‌دهد، به حق به عنوان دروازه‌ای برای تبادل ارزش‌ها و دستاوردهای هنری، فرهنگی و علمی توجه شده است و از این رو، مهم‌ترین سفرنامه‌ها و کاوش‌های دیرینه‌شناختی غربیان نیز در این کشور صورت گرفته است. این امر، تنها محدود به تاریخ گذشته نیست و امروز نیز که با کمال

بوده است که امروزه کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در شهرهای مختلف آلمان پذیرای فرهنگ‌دوستان و دانشجویان پژوهشگر آلمانی است.

ارتباط علمی و تمدنی ایران و آلمان

شایسته است در اینجا به نکته‌ای در حوزه فهم همدلانه میان ایران و آلمان اشاره کنم و آن تلقی مشترک [زبان] ایرانی و آلمانی از علم است. Science در آلمانی ویسن‌شافت Wissenschaft نامیده می‌شود که البته بنا بر تصریح متفکران آلمانی، از جمله یاسپرس (Karl Jaspers)، قلمرو آن بسی فراخ‌تر از حوزه علوم طبیعی یا حتی مجموعه علوم طبیعی، مهندسی و انسانی است. ویسن‌شافت Wissenschaft، متضمن فرهیختگی به معنای اعم کلمه نیز هست. به عبارت دیگر در تلقی و فهم آلمانی از پدیدار علم، تصور هیچ علمی بدون تحقق فرهیختگی ممکن نیست و فرهیختگی البته تخلق آدمی است به صفات والای انسانیت. ایده بیلدونگ Bildung که مدت‌ها بر فضای دانشگاهی آلمان حکفرما بوده، مؤید این ادعاست.

در فرهنگ ایرانی نیز «علم» بدون تحقق اوصاف بلند انسانی، هرگز «علم» شمرده نشده است. یکی از دواعی اصلی انقلاب اسلامی ایران نیز، نیل به علم و دانشگاهی بوده است که در آنها نه فقط تخصصی در یک دانش رشته خاص، بلکه فرهنگ و فرهیختگی و انسانیت و حکمت موضوع تعلیم و تربیت قرار گیرد. البته تردیدی نیست که در زمان‌های مختلف، در اثر تحولات سیاسی، ارتباطات فرهنگی و علمی نیز متأثر شده و فراز و نشیب‌های خاص خود را تجربه کرده است. اما آنچه در این میان قابل توجه است، آن است که ارتباط علمی و تمدنی ایران و آلمان در هیچ مقطعی از تاریخ مدرن قطع نشده است و این، بذریع امید است برای تعمیق و گسترش این ارتباط دیرینه.

در حال حاضر که کشور جمهوری اسلامی ایران، توانسته است در خشونت‌بارترین روزهای خاورمیانه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های بین‌المللی معاصر را با مذاکره و تعامل سازنده با گروه ۵+۱ به

شکل صلح‌آمیز و معطوف به تأمین منافع متقابل جهانی حل و فصل نماید، فرصت مناسبی پیش آمده است که با گسترش تعامل علمی و پژوهشی میان دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی دو کشور ایران و آلمان، امید به صلح و نوع‌دوستی فراگیر انسانی را بیش از پیش مستحکم سازیم و از این لحظه برای رساندن پیام دوستی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بهره‌برداری کنیم.

ظرفیت‌های بین‌المللی پژوهشگاه

پژوهشگاه علوم انسانی، با سابقه بیش از نیم قرن پژوهش در زمینه‌های مختلف علوم انسانی، بزرگ‌ترین نهاد پژوهشی علوم انسانی خاورمیانه در این عرصه است و از همین روی، برای خود در پرداختن به زمینه‌های گسترش فرهنگ صلح با اتکا به گنجینه میراث تمدنی و فرهنگی ایرانی-اسلامی، سهمی قائل است. در نتیجه، در سال‌های اخیر برنامه‌ریزی‌های متعددی صورت گرفته است تا بتوان ضمن تبادل دستاوردهای علمی، زمینه‌های همکاری‌های نهادینه بین‌المللی را برای پژوهشگران تسهیل کرد. بر همین اساس، پژوهشگاه ضمن اعلام آمادگی برای گسترش این همکاری‌ها با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور آلمان، بهره‌گیری از ظرفیت‌هایی مانند تفاهم در زمینه تبادل استاد و دانشجو، ایجاد شبکه مشترک کتاب‌های خطی و نایاب به صورت آنلاین، برگزاری کنفرانس مشترک در زمینه‌های مختلف علمی، برگزاری دوره‌های مشترک علمی، به‌ویژه در زمینه زبان و ادبیات و سایر حوزه‌های علوم انسانی، انجام پژوهش‌های مشترک بین‌المللی، و مانند آن را توصیه می‌کند.

ضمن خوشامدگویی مجدد به مهمانان آلمانی، امیدوارم برگزاری این نشست فرصتی برای آشنایی و دوستی بیشتر میان دو ملت، و به‌ویژه میان دانشمندان و پژوهشگران باشد. از برگزارکنندگان سمینار، سازمان همکاری‌های علمی آلمان و دانشگاه علامه طباطبائی تشکر ویژه دارم و از شما دعوت می‌کنم از بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی خاورمیانه بازدید به‌عمل آورید.



رونمایی از کتاب «خاندان ابراهیم(ع)؛ بازخوانی داستان‌هایی از کتاب پیدایش»

به همت پژوهشکده مطالعات قرآنی و با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، نشست رونمایی از کتاب «خاندان ابراهیم(ع)؛ بازخوانی داستان‌هایی از کتاب پیدایش»، با حضور مترجم، سید روح‌الله شفیعی و منتقد، سپهر محمدی‌اردهالی، روز شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۹۶ در پژوهشگاه برگزار شد.

در ابتدای جلسه، دبیر نشست، دکتر محققیان، گزارش مختصری پیرامون کتاب، موضوع آن، عناوین اصلی و فرعی کتاب ارائه و بعد از معرفی اجمالی نویسنده، مترجم و ناقد کتاب، از آقای شفیعی، به عنوان مترجم کتاب، درخواست کرد تا گزارش مختصری از جریان ترجمه و خاستگاه آن و مشکلات این فرایند، ارائه دهد.

مترجم، پس از کسب نظر اولیه از حضار درباره پرسش‌های احتمالی‌ای که انگیزه شرکت ایشان در این نشست بوده است، به بازگویی توضیحاتی پیرامون شخصیت پدید آورنده اثر و فرایند تصمیم‌گیری درباره ترجمه آن پرداخت، و نکاتی را پیرامون محتوای کتاب به آگاهی حضار رساند. وی افزود این ترجمه را در راستای تکمیل پژوهش دیگر خود - که به بررسی تاریخی و تطبیقی مفهوم دینی «أهل بیت» میان اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی (یهودیت و مسیحیت) پرداخت و سال گذشته با عنوان «خاندان پیامبران در کتاب مقدس و قرآن» از سوی دانشگاه ادیان و مذاهب به چاپ رسیده - انجام داده است. او افزود که یک سال را صرف ترجمه این اثر نموده، و نیز اثر ترجمه شده در مجموع سه بار به‌دست ویرایش و بازبینی سپرده شده است.

شفیعی در توضیحات خود پیرامون محتوای کتاب گفت: «هر یک از شانزده نوشتاری که در این ترجمه گردآوری شده‌اند، می‌توانند از منظری به‌کار پژوهشگران و علاقمندان حوزه الهیات بیایند، و آنان را با نگاه‌های دیگرگونه‌ای که در دستگاه اندیشه یهودی به داستان‌های کتاب پیدایش وجود دارند و می‌توان آن‌ها را از نمودهای مکتب تأویل‌گری تورات به‌شمار آورد، آشنا سازند.» وی برای نمونه به تأویل داستان کشتی گرفتن یعقوب(ع) با خدا/فرشته اشاره نمود و مطرح شدن گزینه دیگری مانند عیسو به‌عنوان هم‌اورد این کشتی از سوی نویسنده را از دستاوردهای فراوانی برای پژوهشگران حوزه مطالعات قرآنی برخوردار دانست، که می‌تواند به تحول نوع نگرش ایشان به جایگاه کتاب مقدس در تفسیر قرآن بیانجامد. وی در ادامه به حوزه فلسفه دین و فلسفه اخلاق پرداخت و با اشاره به واکنش یکی از نویسندگان به خوانش معروف کیرکگور از داستان قربانی ابراهیم(ع)، توضیح داد که برپایه نگاه نویسنده، این داستان لزوماً به معنی عبور ابراهیم(ع) از ساحت اخلاقی وجود برای ورود به ساحت ایمان، نیست. همچنین؛ وی به نوشتار دیگری اشاره نمود که نویسنده در آن به بازگویی همسان بودن زندگی اسماعیل(ع) و اسحاق(ع) می‌پردازد، و نشان می‌دهد که حتی اسماعیل(ع) نیز تجربه قرارگرفتن در آستانه قربانی شدن را از سر گذرانده است. در نمونه‌ای دیگر، مترجم توضیح داد که چگونه نویسنده یکی از نوشتارها به این خوانش از تورات می‌رسد که یهوه به‌مثابه خداوند متشخص انسان‌وار آیین یهود، هرگز به برخورداری یهودیان از سرزمین موعود رضایت نداشته است. او تأکید نمود که خوانش‌هایی از این دست که با خوانش‌های رایج و متداول از کتاب مقدس تفاوت‌هایی فاحش دارند، نه تنها می‌توانند بستر مناسبی را برای گفتگوی سازنده میان پیروان ادیان فراهم سازند؛ بلکه شاید بتوانند زمینه‌ساز زدودن سوءتفاهم‌هایی تأسف‌بار مانند بحران خاورمیانه و مشکلات اعراب و اسرائیل نیز باشند.

محمدی‌اردهالی در مقام ناقد گفت: «کتاب اثری بی‌نظیر و خواندن آن لذت‌بخش است و دریغ که پژوهشگران حوزه متون مقدس ادیان ابراهیمی، از وجود چنین نگرش‌هایی به محتویات کتاب مقدس بی‌خبر باشند. او - برای نمونه - این نقد را به ترجمه انجام شده روا دانست که مطابقت کامل واژه‌های به‌کار رفته در داستان زندگی اسماعیل(ع) و اسحاق(ع) در کتاب پیدایش، آنچنان که باید و شاید، به‌نمایش درنیامده است. وی افزود که در برخی موارد پژوهشگر مسلمان می‌تواند دیدگاه نویسنده یهودی را پی بگیرد، و نشان دهد که بازخوانی وی از متن کتاب مقدس چه اندازه با متن قرآن هماهنگ است، یا می‌تواند باشد. به‌عنوان مثال مطابقت یادشده در داستان زندگی اسماعیل(ع) و اسحاق(ع)، در قرآن نیز به‌چشم می‌خورد. همچنین؛ قرآن مطابقت بیشتری را میان داستان قربانی اسحاق(ع) و صلیب عیسی(ع) به‌نمایش



می‌گذارد.» از سوی دیگر او به این نکته اشاره نمود که می‌توان با بهره‌گیری از خوانش دیگرگون کتاب مقدس، به تفسیری روشن‌تر از قرآن نیز رسید، و - برای نمونه - به بینامتنیت میان نوشتار چهاردهم این کتاب با آیات ۳۶ تا ۴۱ سوره نجم اشاره نمود.

گزارش مطالعه میان رشته‌ای «سنت سمات خوانی در تلمود بابلی و آئین‌های شیعی مبتنی بر نگره‌های تاریخی، زبان‌شناختی و انسان‌شناختی»

«شیپور» در فرهنگ مذهبی دیانت یهودی، نقشی بسیار نمادین و همانند آن چیزی بوده است که «ناقوس» در فرهنگ مذهبی دیانت مسیحی بازی می‌کند.

دکتر گرامی در ادامه افزود: «از سلسله پژوهش‌های انجام شده درخصوص دعای سمات می‌توان در حیطه تاریخ‌نگاری تداول یک انگاره یا سنت یاد کرد و صرف نظر از پژوهش‌های متن محور در خصوص نقد بیرونی دعای سمات و با توجه به برخی از ردپاهای این دعا در تلمود بابلی، بخش مهم دیگری از پژوهش‌ها می‌تواند مربوط به تاریخ تداول این دعا در شیعه امامیه باشد. علاوه بر این، تاریخ تداول دعای سمات از بُعد انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی تاریخی نیز قابل بررسی و پیگیری است. بر این اساس دعای سمات و مجالس مرتبط با آن یکی از پدیدارهای فرهنگی شیعه است که از بُعد مردم‌شناسی فرهنگی، در دوره معاصر و همچنین دوره‌های تاریخی قابل بررسی است.» ایشان در پایان سخنان خود گفت: «گرچه تاکنون درباره برخی از پدیدارها در فرهنگ داعایی شیعه به خصوص دعای کمیل پژوهش‌هایی صورت گرفته است، اما درخصوص دعای سمات و مجالس آن - به مثابه یک پدیدار فرهنگی - تاکنون پژوهشی انجام نشده است و علاوه بر بررسی دعای سمات در قالب نقد بیرونی و متن پژوهشی، پژوهش در خصوص تاریخ تداول این مناجات شیعی و همچنین مردم‌شناسی مجالس سمات‌خوانی از جمله مواردی است که قابل عرضه در سنجه‌ها و عرصه‌های دانشگاهی است.» در پایان جلسه پرسش و پاسخی برگزار گردید و دکتر گرامی به سؤالات حضار پاسخ داد.

پژوهشکده مطالعات قرآنی با همکاری انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۹۶/۴/۱۱ نشست تخصصی با عنوان «مطالعه میان رشته‌ای سنت سمات خوانی در تلمود بابلی و آئین‌های شیعی مبتنی بر نگره‌های تاریخی، زبان‌شناختی و انسان‌شناختی» را با سخنرانی دکتر سید محمد هادی گرامی، مدرس دانشگاه امام صادق (ع) برگزار کرد.

دکتر گرامی در ابتدای این نشست ضمن بیان مقدمه‌ای، به اختصار به معرفی دعای سمات پرداخت و گفت: «در خصوص دعای سمات متن‌ها و نوشتارهای متعددی در زبان فارسی و عربی فراهم آمده است؛ اما تقریباً هیچ کدام از آنها به پیجوبی مهمترین مدعای مقدمه این مناجات نپرداخته‌اند. براساس آنچه که در مقدمه این دعا که گاهی از مفضل بن عمر جعفی و در نقلی مشهورتر از محمد بن عثمان عمروی نایب امام دوازدهم (ع) نقل شده است، این دعا متنی بوده است که در امت یهود رایج و همچنین نقش بسزایی در پیروزی یوشع بن نون در جنگش علیه عمالقه ایفا کرده است.»

بی‌گمان پژوهش در خصوص ریشه‌های برون‌اسلامی این مناجات مرهون نخستین سرنخی است که دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی در این خصوص به دست داده‌اند و در هنگام گفتگو از میراث مکتوب منتسب به مفضل بن عمر جعفی و انتساب متن دعای سمات به وی، ارجاعی به بخش «موعد کتان» تلمود بابلی در این خصوص داده‌اند. استاد طباطبایی بر آن است که «سمات» همان شکل عربیّت یافته «شامتا» «Shammetha» است. علاوه بر استاد طباطبایی، پروفسور استفن لمبدن در سایت مشهور «هورقلیا» دو مقاله از نوشته‌های خود را به دعای سمات و همچنین یکی از شروح سید کاظم رشتی بر آن اختصاص داده است.

همچنین باید گفت در مقدمه عربی دعای سمات، از این دعا با عنوان دعای «شیپور» یاد شده است و در طول اعصار مختلف این نام همواره به عنوان بدیلی برای سمات شناخته می‌شده است. نکته‌ای که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، تعداد کاربست‌های لفظ «شیپور» در متون بابلی و تلمود است. نقش



دکتر قبادی: اگر کشورهای منطقه به دستاوردهای علوم انسانی توجه می‌کردند، داعش به وجود نمی‌آمد

گروه زبان و ادبیات شورای بررسی متون با همکاری دبیرخانه هفدهمین دوره انتخاب بهترین کتاب دفاع مقدس، نشست تخصصی «موانع و راهکارهای ارتقای جایگاه ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» را در تاریخ ۱۱ تیرماه ۹۶ در پژوهشگاه برگزار کرد. در ابتدای این جلسه دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن تبریک پیروزی مردم عراق بر خشونت و تروریسم داعش گفت: «پیروزی مردم عراق ثابت کرد، خشونت پایدار نیست و می‌توان با عقل و منطق، جوامع را با هزینه کمتری اداره کرد. در مقابل، ظهور پدیده داعش پیامدهای بی‌توجهی حکام مستبد کشورهای منطقه به دستاوردهای دانش بشری را نشان می‌دهد چرا که همیشه علوم انسانی، جامعه را به عقلانیت، تعادل، صلح و برادری دعوت می‌کند. اگر آنها به دستاوردهای علوم انسانی انقیاد می‌کردند، داعش به وجود نمی‌آمد. پیام ناب دین مبین اسلام هم تقدم رحمت بر غضب است و این امید وجود دارد که روزی بشریت به جایگاهی برسد که با درک این پیام و استفاده از دانش بشری زمینه‌های پیدایش افراطی‌گری و داعش‌پروری را از بین ببرد.» وی همچنین با اشاره به روحیه صلح‌جویی مردم ایران در طول تاریخ گفت: «روح پیام انقلاب اسلامی نیز همین بود و جنگ ما نیز یک جنگ دفاعی بود و ما هیچ وقت آغازگر جنگ نبوده و نیستیم اما از موضع بدیهی‌ترین اصل انسانی یعنی دفاع، وارد معرکه شدیم و این همان چیزی است که ادبیات پایداری باید به آن توجه جدی داشته باشد و البته که در جهت ماندگاری ادبیات پایداری هم نیازمند جذب مخاطبان بیشتری هستیم تا پیام‌آور نیکی و خیر نیز باشیم.»

وی در ادامه با اشاره به عنوان سخنرانی خود، «مدخلی بر چشم‌انداز آینده ادبیات دفاع مقدس برای تبدیل شدن به سنت ادبی» گفت: «اگر ادبیات پایداری نتواند به سنت ادبی تبدیل شود، در حد متون عام و گذرا باقی می‌ماند. ما باید از شاهکارهای ادبی به‌ویژه از سرآمدانی چون سنائی غزنوی، فردوسی، عطار، حافظ و... درس بگیریم چرا که این شاهکار آفرینان ادبیات را به سنت انکارناپذیر تبدیل کردند.» وی افزود: «به نظر بنده باید به تجربه بسیار موفق امثال فردوسی (که شاهنامه را بر مبنای اسطوره نظم می‌دهد و آن را به کاخی بلند در هنر خلاقانه تبدیل می‌کند) و سنایی و تا حدودی خاقانی و در اوج آن عطار، مولوی، سعدی و حافظ - در برابر تجربه منفی اسطوره‌زدایانه منوچهری، امیر معزی، انوری و دیگران - توجه کنیم.»

دکتر قبادی در ادامه به سرفصل‌های سنت ماندگار ادبی اشاره کرد و گفت: «به عنوان مقدمه اول به دو مفروض اشاره می‌کنم: ۱- جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، بخشی از تاریخ این سرزمین است. هیچ کس نمی‌تواند ادبیات پایداری و بخشی از تاریخ ایران را نفی کند. ۲- بخشی از مواد ادبیات این دوره از تاریخ ایران، مربوط به حوزه دفاع مقدس و پایداری است. بر پایه این مفروضات می‌توان مقدمه دومی را نیز در چند بند در نظر گرفت و بر این اساس می‌توان در زمینه کیفیت ادبیات مربوط به دفاع مقدس و پایداری مطالبی آسیب‌شناختی را عرضه کرد:

۱- از منظر نقد ادبی و داوری دقیق آثار به صورت دقیق و شفاف و بر اساس معیارهای علمی و مبتنی بر چارچوب‌های روش‌شناسانه، تکلیف ما در آثار مربوط به دفاع مقدس و پایداری روشن نیست. ما نمی‌دانیم منظور ما از ادبیات در این حوزه هر اثر مکتوب به معنای work مثلاً، سند، آثار ژورنالیستی، ادعاها، شعرواره‌ها، داستان‌واره‌هاست یا آفرینش‌هایی که به نوعی جنبه عمومی هنر را در بر دارند و Art به

حساب می‌آیند، یا آفرینش‌هایی که واجد ادبیت (Literariness) هستند و به Text تبدیل شده‌اند و حامل عظمت اسطوره‌ای دفاع مقدس و اضطراب‌های وجودی‌اند و می‌توان آنها را جزء اگزیتنس آفرینشگر خواند؟ کدامیک به ماندگاری فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس و انتقال آنها به نسل‌های آینده می‌توانند کمک کنند؟

۲- مجموعه عظیم آثار رخداد عظیم جنگ تحمیلی و دفاع



مقدس (صرف نظر از عوامل، دلایل، چگونگی، فرایند و کیفیت آن) در عرصه فرهنگ و ادبیات، فضا و عناصر و برخی اجزای تمدن را گره زده است، و توانست با تعمیق بخشیدن به آن، بازگشت به خویشتن شریعتی و آرمان‌گرایی و اسلامی‌نگری امام خمینی (ره) به سنتی در عرصه ادبیات تبدیل شود و بسیاری از بن‌مایه‌های ادبی را با میراث‌های ایرانی - اسلامی پیوند دهد.

۳- نوعی اسطوره‌گرایی نوین اما مربوط به میراث‌های اسطوره‌ای ایرانی - اسلامی در بطن و متن جنگ و به ویژه متن‌های توصیف‌گر مراحل کوتاه دفاع مقدس شکل گرفته است.

۴- در فرایند آفرینش‌های ادبی در خلال جنگ، اسطوره‌گرایی بیش از حماسه‌سرایی بوده است. اما پس از جنگ برعکس (و همین تهدیدی برای جنبه زیبایی‌شناسی ادبیات دفاع مقدس است).

۵- نقد ادبی مربوط به ادبیات و جنگ و دفاع مقدس ضعیف، کم حجم، عمدتاً غیر فنی و عموماً مضمون‌گرا و محتوای‌پرداز و خالی از مبانی، فنون و شگردهای نقد علمی ادبی است.

۶- عموماً در آثار انتقادی تخصصی مربوط به جنگ و دفاع مقدس برای سازه‌های ادبیت، شیوه‌های بیانی، ساختارهای زیبایی و شگردهای زبانی و در مجموع برای وجه بوطیقایی آثار سهمی بنیادی اندک قائل شده‌ایم. حتی در مورد رمز و راز توفیق بزرگان ادبیات خودمان غافل مانده‌ایم، به عنوان نمونه: این حقیقت مهم که دعوی میان لفظ و معنی وجود ندارد و زیبایی بیان و تأویل‌های زیبایی شناسیک به تعالی معنی و طراوت و تازگی محتوا مدد می‌رساند، چندان در معرض مذاقه قرار نگرفته است. و از چرایی عظمت بیان و راز توفیق و شکوفایی و تجربه عظیم میراثی ادبیات فارسی در ماندگارسازی آموزه‌های قرآنی در دل تاریخ ادبیات فارسی غافل مانده‌ایم و از طریق شعر و نثر عرفانی و تعلیمی و کشف شگردهای بیانی آنان برای غنی‌سازی ادبیات مربوط به دفاع مقدس محروم شده‌ایم. از جمله وقتی مولوی تأویل گرایانه این مفهوم قرآنی را در بافتاری عرفانی و اخلاقی بسط می‌دهد، درس نگرفتیم که:

ای دریده پوستین یوسفان / گرگ برخیزی از این خواب گران
یا

صد هزاران دین و دل تاراج شد/ تا محمد یک شبی معراج شد

۷- در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و به‌ویژه در حمایت‌های مادی و معنوی، تمرکزگرایی را بر خودشکوفایی و حمایت از این رویکرد ترجیح داده‌ایم اما مؤلفه‌هایی که می‌تواند از وضع موجود در عرصه ادبیات دفاع مقدس به سوی تبدیل شدن به سنت ادبی مدد برساند، به صورت اجمال عبارتند از:

۱. باید توجه خود را به ذات بوطیقایی ادبیات متمرکز سازیم و جوهره عوامل تحوّل ادبی را در نظر داشته باشیم و بین تعالی، دگرگونی و تحول، تقویت و... فرق قائل شویم. اگر می‌خواهیم ادبیات به سنت تبدیل شود، تحول ادبی ذاتی دارد که باید به تعامل ژانرها، گونه‌ها و شاخه‌های آن توجه کنیم.

۲. به نوآوری‌های عمیقی دست پیدا کنیم و به رئالیسم در مرحله زیبایی‌شناسی عمق ببخشیم.

۳. ترجیح جنبه‌های زیبایی‌شناسی اسطوره‌گرایی و اسطوره‌پردازی در درون ساخت حماسی و عبور از تلمیح، تقلید، تکرار (تحلیل مقایسه تجربه موفق پیش‌تازانه و پیشران طاهره صفارزاده در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، و به دنبال آن قیصر امین‌پور در شعر مربوط به دفاع مقدس و در حوزه نثر و ادبیات داستانی مربوط به دفاع مقدس، محمدرضا کاتب در آفتاب پرست نازنین و حسن بنی‌عامری در گنجشک‌ها بهشت را می‌فهمند) از نظر روانشناسی انسان به‌ویژه جوان‌ها به جای قهرمان‌پروری دوست دارند با سوژه ادبی مورد نظرش هم‌ذات‌پنداری کند. اگر ما می‌خواهیم مخاطبان پایدار داشته باشیم باید به جنبه‌های اسطوره‌سازی ادبیات توجه کنیم. اسطوره است که انسان را به کیهان‌اندیشی، فطرت، خلوص، ابدیت و جاودانگی دعوت می‌کند.

۴. بر مبنای گزاره‌های یادشده به سمت بیناثریت حرکت کنیم و در واقع از حماسه‌مداری صرف به نفع اسطوره‌گرایی و بنیان‌های زیبایی‌شناسی ادبی و موردپسند مخاطب جوان‌تر عبور کنیم.

۵. با انسان‌شناسی و ادبیات شفاهی و خاطرات جنگ پیوند بخوریم.

۶. با نظام فرهنگی ایران و ادب کلاسیک ارتباط عمیق‌تر پیدا کنیم.

نکته پایانی اینکه لازم است بطور دائم به سنجش پسند مخاطب بپردازیم تا موفق شویم به راهکاری دست یابیم و مخاطبان خود را گسترش دهیم.»

دکتر قبادی در خاتمه سخنانش تصریح کرد: «کسانی که وارد حوزه ادبیات پایداری می‌شوند باید واقعاً باسواد باشند و بتوانند امثال دیوان سنائی غزنوی را بخوانند و بفهمند کسی که می‌خواهد داستان‌نویسی کند باید کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه را به‌طور مسلط بخواند و آن را خوب بفهمد. در مجموع باید در حوزه ادبیات پایداری کوشش فراوانی بکنیم و دائم به سنجش پسند مخاطب فکر کنیم و اینکه بتوانیم توجه نسل جدید جوانان را به این حوزه جذب کنیم و بر تعداد مخاطبانمان بیفزائیم.»



میراث عارفانی چون شمس و مولوی زمینه‌های پیدایش داعش در روزگار ما را از بین می‌برند

دومین جلسه شورای همکاری‌های پژوهشگاه علوم انسانی و هیأت مدیره تولید آرامگاه شمس تبریزی برگزار شد. در این نشست که در تاریخ ۱۹ تیر ۹۶ در سالن اندیشه پژوهشگاه برگزار شد دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی ضمن خیرمقدم به اعضای هیأت مدیره تولید آرامگاه شمس تبریزی و میهمانان حاضر، با اشاره به طرح مرکز اسناد فرهنگی آسیا با موضوع «بررسی و تحلیل انسان‌شناختی گردشگری آئینی در قونیه» گفت: «به شهادت آمار از سال ۸۲ تا ۸۹ تعداد توریست‌ها و گردشگران قونیه ۷۰۰ برابر شده است که آمار قابل توجهی است و نشانگر اهمیت توجه به میراث معنوی از جهات گوناگون مادی، هویتی و اندیشه‌ای است. وی تأکید کرد: ما نیز می‌توانیم با بذل توجه بیشتر به آرامگاه شمس تبریزی در خوی، علاوه بر مسائل مادی، از نظر معنوی و فرهنگی به جوانان کشورمان هویت ببخشیم که پژوهشگاه علوم انسانی طبق برنامه توسعه با افتخار وارد چنین پروژه‌های فرهنگی شده است و همکاری با تولید آرامگاه شمس تبریزی یکی از آنهاست.»

دکتر قبادی در ادامه افزود: «یکی از دلایلی که داعش نتوانست در کشوری چون ترکیه شکل بگیرد، وجود زمینه‌های ادبیات تصوف در این کشور است. حتی کشوری چون بنگلادش هم چنین وضعیتی دارد. بنابراین باید به کارکرد تاریخی و تمدنی «تصوف» هم توجه شود البته ممکن است نگرانی‌هایی هم در این زمینه وجود داشته باشد اما محاسن آن را نیز باید در نظر گرفت.»

وی تأکید کرد: «حتی در حزب عدالت ترکیه و منابع درسی این کشور، ادبیات تصوف موج می‌زند که باید در این زمینه‌ها با تحقیق و پژوهش بیشتری وارد عمل شویم و باور کنیم میراث عارفانی چون شمس و مولوی زمینه‌های پیدایش داعش در روزگار ما را از بین می‌برد. علاوه بر این، میراث مولوی حتی می‌تواند در گسترش محبت اهل بیت در میان پیروان دیگر مذاهب نیز مؤثر باشد. به عنوان مثال مولوی دیدگاه عاشقانه و فوق‌العاده‌ای به «عاشورا» دارد و زیباترین غزل راجع به عاشورا در غزلیات شمس آمده است.»

لازم به ذکر است در این نشست، حجت‌الاسلام سید رضی شکوری (امام جمعه خوی)؛ عطاپور (مدیر کل امور سیاسی و اجتماعی استانداری آذربایجان غربی)؛ فتاح کبیری (نماینده مردم خوی و چاپپاره در مجلس شورای اسلامی)؛ حجت‌الاسلام قادر فاضلی (از پژوهشگران و محققان حوزوی)؛ حجت‌الاسلام سید طاها مرقاطی (رئیس بنیاد شمس و مولانا)؛ جعفرپور (معاون اجرایی تولید شمس تبریزی) و انصاریان، (رئیس انجمن خویی‌های مقیم تهران) نیز حضور داشتند و بر افزایش همکاری‌های دوجانبه تأکید داشتند.



نشست «دعا و الگوهای رابطه انسان و خدا»



مرکز اسناد فرهنگی آسیا در راستای اهداف و برنامه راهبردی پنج ساله با عنوان «صلح جهان عاری از خشونت» به معرفی نظریه‌های مشاهیر ایران می‌پردازد. از جمله این سلسله سخنرانی‌ها، نشست «دعا و الگوهای رابطه انسان و خدا» با سخنرانی دکتر ایرج شهبازی بود که در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. در ادامه چکیده‌ای از سخنان ایشان آمده است:

انسان‌ها براساس ویژگی‌های روانی، آموزش‌های دینی و علمی، شرایط اقلیمی و ویژگی‌های محیط اجتماعی خود تصویرهای گوناگونی از خدا پیدا می‌کنند و بر اساس تصویری که از خدا دارند، مدلی از رابطه بین خود و خدا را

پدید می‌آورند. در این سخنرانی، شش تصویر از خدا را در فرهنگ اسلامی معرفی می‌کنیم و بعد براساس سه معیار سنخیت، شخصیت و الگوی رابطه، به بررسی جایگاه دعا در این تصویرها می‌پردازیم. این شش تصویر عبارتند از تصویر فیلسوفان، تصویر اشاعره، تصویر معتزله، تصویر فقیهان، تصویر زاهدان، تصویر عارفان عاشق. در پایان سخنرانی معلوم می‌شود که تنها در تصویر عارفان عاشق از خداست که انسان می‌تواند رابطه‌ای صمیمانه و دوستانه با خدا داشته باشد؛ زیرا که در این مدل انسان موجودی است از سنخ خدا و خدا هم، با وجود منزّه بودن، موجودی مشخص است و انسان می‌تواند با او یک رابطه شخصی داشته باشد؛ لذا در این مدل رابطه انسان و خدا از نوع من و تو است و تنها در چنین رابطه‌ای است که دعا جایگاه واقعی خود را باز می‌یابد. در سایر تصویرها یا خدا دارای شخصیت نیست، یا انسان تا حد یک شیء بی‌ارزش تنزل می‌یابد و یا اینکه بین انسان و خدا هیچ سنخیتی وجود ندارد و بدیهی است که طبق این تصویرها دعا جایگاه درخوری نمی‌یابد.

تغییر نام کوچه سعدی در خیابان شریعتی به نام «استاد مجتبی مینوی»

با اهتمام و پیگیری مستمر پژوهشگاه و جلب موافقت نظر شورای تهران، نام کوچه سعدی در خیابان شریعتی به نام «استاد مجتبی مینوی» تغییر یافت. کتابخانه استاد مینوی به صورت واحدی از مدیریت کتابخانه‌های پژوهشگاه اداره می‌شود.



نشست تخصصی به مناسبت «روز قلم»

پژوهشکده ادبیات به مناسبت «روز قلم»، نشستی را با عنوان «رمان ایرانی در گذر زمان: جریان‌شناسی رمان ایرانی از عامه‌پسند تا نخبه‌گرا (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)» روز سه‌شنبه سیزدهم تیرماه با حضور سه تن از داستان‌نویسان مطرح کشور و جمعی از استادان، دانشجویان پژوهشگاه و سایر دانشگاه‌ها و مهمانانی از سراسر کشور برگزار کرد.

این نشست با سخنان رئیس پژوهشکده ادبیات، دکتر یوسف محمدنژاد و توضیحات ایشان در باب سلسله نشست‌های تخصصی پژوهشکده آغاز شد. سپس دبیر نشست، دکتر شریف‌نصب درباره پیشینه رمان‌های عامه‌پسند در ایران و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها سخن گفت. در این نشست، که نخستین نشست از این سلسله سخنرانی‌ها بود، مرضیه سبزعلیان و محمد حسینی و کاوه فولادی‌نصب، به جریان‌شناسی رمان‌های عامه‌پسند و نخبه‌گرا پرداختند.

محمد حسینی (نویسنده آبی‌تر از گناه، یکی از همین روزها ماریا، به دنبال فردوسی و...) به تبیین ویژگی‌های عمومی رمان‌های عامه‌پسند در جهان پرداخت و رعایت تمایلات مردم، همسویی و همگامی با حکومت مرکزی و کلیشه‌ای بودن را از جمله این ویژگی‌ها دانست. کاوه فولادی‌نصب (صاحب کتاب‌های مزار در همین حوالی، اندر احوالات یک مدرس، سفر به سرزمین سبز و...) به دسته‌بندی رمان‌های ایرانی از بدو شکل‌گیری تا امروز پرداخت و به اجمال ویژگی‌های صوری و محتوایی رمان‌های هر نسل را تبیین نمود.

مرضیه سبزعلیان در ادامه، در قالب جداولی روشن و گویا، تفاوت‌های رمان‌های عامه و نخبه‌پسند را در اجزا و عناصر ساختاری و محتوایی نشان داد. سبزعلیان در سخنان خود تلاش کرد نشان دهد گفتگوی دو نوع ادبی عامه‌پسند و نخبه‌گرا سبب تقویت بدنه ادبیات در جامعه می‌شود.

این جلسه با پرسش و پاسخ از سوی حضار خاتمه یافت.



نخستین «هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی»

مرکز اسناد فرهنگی آسیا در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۶، نخستین «هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی» را با ارائه مقالات علمی، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، چهره ماندگار علوم انسانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، دکتر المیرا دادور، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، دکتر بابک خلعتبری، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و دکتر آبتین گلکار، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس برگزار کرد.

در ابتدای این نشست علمی، دکتر محمد نجاری، دبیر علمی این نشست، با ارائه گزارشی از فعالیت‌های علمی و اجرایی مرکز اسناد فرهنگی آسیا براساس برنامه راهبردی «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» در سه سال گذشته، افزود: «پس از ترجمه دو کتاب قصه‌های عامیانه مردم کره (ادبیات کره‌ای) و برادران خوشحال (ادبیات ترکمنی) دریافتیم بررسی درونمایه مشترک برخی از این قصه‌ها و افسانه‌ها با ادبیات پارسی به اشتراکات فرهنگی یاری رسانده و واکاوی این درونمایه‌های مشترک به گفتگوهای فرهنگی و ترویج صلح و آشتی بین اقوام و ملت‌ها کمک شایانی خواهد نمود و امیدواریم که بتوانیم هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی را به صورت هر فصل یک نشست در مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه برگزار نماییم و مجموعه مقالات این هم‌اندیشی‌ها نیز به دو زبان فارسی و انگلیسی با همکاری این مرکز و پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و کمیسیون ملی یونسکو منتشر خواهد شد.»



دبیر علمی نشست، با تقدیم نخستین هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی به روان دکتر فاطمه سیاح، به عنوان بنیانگذار رشته ادبیات تطبیقی در ایران، به شرح زندگی و خدمات علمی وی پرداخت:

فاطمه رضازاده‌محلّاتی، معروف به فاطمه سیاح، در سال ۱۲۸۱ شمسی در شهر مسکو متولد شد. تحصیلات متوسطه و عالی خود را در مسکو گذراند و از دانشکده ادبیات اونیورسسته مسکو در ادبیات اروپایی به گرفتن درجه دکتری نائل شد. رساله دکتری خود را درباره آناتول فرانس به رشته تحریر درآورد و سپس در سال ۱۳۱۳ شمسی و در سن ۳۲ سالگی به ایران آمد. فاطمه رضازاده‌محلّاتی با پسر عمویش حمید سیاح ازدواج کرد و به همین علت که مدتی همسر حمید سیاح بوده است، او را فاطمه سیاح می‌خواندند ولی این ازدواج پس از سه سال به جدایی انجامید. سپس در دانشگاه تهران عهده‌دار کرسی ادبیات تطبیقی شد، که بنیانگذار ادبیات تطبیقی نیز محسوب می‌شود. وی که به زبان و ادبیات فرانسوی هم مسلط بود؛ در نخستین کنگره نویسندگان ایران که به سال ۱۳۲۵ در تهران برگزار گردید، به ایراد سخنرانی جالبی در باب ادبیات تطبیقی پرداخت. فاطمه سیاح در ایران بزرگ نشده بود، بنابراین زبان فارسی را خوب نمی‌دانست و مطالب خود را به زبان روسی می‌نوشت و دیگران به فارسی ترجمه می‌کردند. پدر فاطمه سیاح، میرزا جعفر رضازاده از محلات و مادرش اهل آلمان و بزرگ شده روسیه بود.



میرزا جعفر رضازاده در جوانی (سال ۱۲۹۰ هجری قمری) به روسیه رفت و بیش از چهار دهه در آنجا به تحصیل و تحقیق پرداخت. خانم فاطمه سیاح درباره پدرش می‌گوید: «پدرم مرحوم جعفر رضازاده سیاح مدت ۴۵ سال در دانشکده زبان شرقی در مسکو، پروفیسور زبان و ادبیات بودند.»

او در روسیه با همسرش که آلمانی‌الصل و ساکن روسیه بود آشنا شد و همان‌جا ازدواج کردند و در سال ۱۳۱۳ هجری - شمسی (پس از ۴۵ سال سکونت در روسیه) همراه با دخترش به ایران آمد. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی فاطمه سیاح





از همان اولین روزهای ورودش به ایران شکل گرفت. در مصاحبه‌ای با مجله «عالم زنان» در سال ۱۳۲۳ او گفت: «از اولین سال ورود به ایران با یک عده از زنان روشنفکر به اقداماتی برای آزادی و نهضت بانوان دست زده‌ام و هنگامی که وزارت فرهنگ کانون بانوان را تشکیل داد، جزو هیأت مدیره این انجمن شدم».

فاطمه سیاح، اولین زن ایرانی بود که به کرسی استادی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران دست یافت. همچنین اولین زنی بود که عهده‌دار مأموریت سیاسی در خارج از کشور بود. فاطمه سیاح در روز پنج‌شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۲۶ شمسی در سن ۴۵ سالگی در تهران بر اثر بیماری قند و سکت قلبی، دار فانی را وداع گفت و در روز جمعه ۱۴ اسفند در گورستان ابن بابویه به خاک سپرده شد.

هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی با ارائه مقاله «سابقه ادبیات تطبیقی در ایران و جهان» توسط استاد احمد سمیعی (گیلانی) ادامه یافت. وی با اشاره به تقریرات درسی خانم دکتر فاطمه سیاح در دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و همچنین مقالات ایشان در مجله ایران امروز ادامه داد، شجاع‌الدین شفا و حسن هنرمندی و جواد حدیدی از جمله پیشکسوتان ایرانی رشته ادبیات تطبیقی در سال‌های بعد معرفی شده‌اند.

مشاور رئیس مرکز اسناد فرهنگی آسیا افزود: «سابقه ادبیات تطبیقی در جهان گزارشی است عمدتاً مستخرج از مدخل LittératureCompurée در دایرةالمعارف Universalis به قلم رنه اتمبل تطبیق‌گر مشهور فرانسوی، که حاوی شرح مراحل رشد ادبیات تطبیقی در اروپا و آمریکا، هدف، مسائل و مشکلات و چشم‌انداز آن است.» این عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در ادامه نشست با مقایسه تطور ادبیات تطبیقی در ایران و جهان به چالش‌های پیش روی این رشته پرداخت.

سرکار خانم دکتر المیرا دادور، با ارائه مقاله «از خاستگاه ادبیات تطبیقی تا پیوند آن با هنرها» سخنران بعدی، این نشست با اشاره کوتاهی به خاستگاه ادبیات تطبیقی، آن را پیوندی میان ادبیات و هنرها نامید. او با اشاره به وقایع ثبت شده در تاریخ استعمار (مانند: کشتار قوم زولو)، سپس رمانی نوشته توماس موفولو نویسنده‌ای که خود نواده استعمار است و سپس شعر زیبای «اندوهان شاکا» سروده لئوپولد سدار سنگور همگی مهر تأییدی می‌زنند به خشونت‌های حاصل از استعمار. در نهایت، باسکیا هنرمندی از سوی دیگر جهان (آمریکا) که نواده ستم دیده‌هاست با کشیدن تابلوی معروف «پادشاه زولوها» (که امروز این تابلو در موزه مارسی نگهداری می‌شود) دادخواهی این قوم ستم‌دیده را بر روی بوم به تصویر می‌کشد تا پیوند میان ادبیات و هنر اینگونه در ادبیات تطبیقی حتی با دو کلید واژه متفاوت استعمار و ستم دیدگان به منصفه ظهور برد.

دکتر بابک خلعتبری، با ارائه مقاله: «از ادبیات تطبیقی تا یگانگی اندیشه انسانی» به عنوان سخنران سوم، با اشاره به اینکه این رشته که نامش از دو واژه تشکیل شده نیاز به معرفی بیشتر و دقیقتر نیز داشته و دارد، چرا که نامگذاری رشته ادبیات تطبیقی که نخست به زبان فرانسه صورت گرفت بی‌اشکال نیست و شبهاتی را موجب می‌شود: آیا قرار است یک نویسنده از یک زبان یا یک کشور با یک نویسنده از زبان یا کشور دیگر مقایسه شوند یا تطبیق داده شوند؟ یا یک نوع ادبی با نوع ادبی دیگر؟ یا یک دبستان ادبی با یک دبستان ادبی دیگر؟ بنابراین تقریباً همه پژوهشگران رشته ادبیات تطبیقی با پرسش‌های همانندی درباره ماهیت رشته تخصصی‌شان مواجه شده‌اند. این رشته که به نسبت بقیه رشته‌های نام‌آشنای علوم انسانی مانند فلسفه یا ادبیات یا جامعه‌شناسی و...



بسیار جدیدتر است و در سده نوزدهم میلادی در اروپا که محیطی مساعد و مناسب برای تطبیق و مقایسه فرهنگ‌ها و نه فقط ادبیات کشورهای مختلف بود پدید آمد. پژوهشگر این رشته نه تنها باید ادبیات را باز تعریف کند و آن را به عنوان محل تجلی اندیشه انسانی که در بازه فرهنگی

ویژه‌ای تبلور می‌یابد در نظر بگیرد؛ بلکه مقایسه یا تطبیقی که انجام می‌دهد مقایسه‌ای است ظریف در محل تلاقی اندیشه انسان‌های مختلف از افق‌های فرهنگی گوناگون. پس این رشته در عمل خود را از رشته ادبیات محض و مطالعات ادبی و نقد ادبی متمایز می‌کند. در این رشته دیگر نیازی نیست برای توضیح و شرح انواع ادبی یا واژگان به کار رفته یا صنایع ادبی و یا مکتب‌های ادبی و غیره وقت بگذاریم. البته پژوهشگر این رشته الزاماً باید به همه دستاوردهای رشته ادبیات محض و وابستگان آن آگاهی داشته باشد و آنجا که باید و شاید آنها را به کار ببرد. ولی ادبیات محض هدف او نیست بلکه ابزار اوست. هدف او این است که به اندیشه‌های انسان‌ها از طریق آفرینش‌های ادبی و هنری - که تنها یکی از محل‌های تجلی یک فرهنگ است - دست پیدا کند. در ضمن می‌دانیم که فرهنگ‌ها خود زائیده اندیشه انسان و برداشت او از دنیای اطراف وی هستند.

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی افزود: «در راستای پژوهش‌های خود در این رشته دریافتیم که شایسته است واژه اندیشه را به صورت مفرد به کار ببریم نه جمع، و از این نظر به عقیده رافیل انتیهون فیلسوف معاصر فرانسوی و استاد دانشگاه سوربون رسیده‌ام چرا که انسان اندیشه‌ورز در هر کجای کره خاکی که باشد گوهر یکتا و همانندی دارد که در دامن فرهنگ‌های گوناگون و در قالب‌های گوناگون ادبی و هنری خود را می‌نمایاند. دستیابی به اندیشه انسانی که در آفرینش از یک گوهر بیش نیست از ورای تبلورهای ظاهری ادبی و هنری در فضای پژوهشی و اندیشه‌ورزی آمریکای شمالی بسیار میسرتر است تا در فضای اروپا، چرا که اروپا در فرهنگ خود بار استعمارگر زدگی را به دوش می‌کشد که این خود طی طریق او را به سوی دریافت اندیشه مشترک انسانی بسیار کند و حتی ناممکن کرده است و او را در میدان مقایسه، میان فرهنگ کشورهایی که پیشرفته قلمداد می‌شوند و کشورهایی که در حال توسعه در نظر گرفته می‌شوند سرگردان نگه داشته است.»

دکتر آبتین گلکار چهارمین سخنران نخستین هم‌اندیشی ادبیات تطبیقی با ارائه مقاله علمی «پیشینه و جایگاه ادبیات تطبیقی در روسیه» ادبیات تطبیقی در روسیه را به سه بخش کلی طبقه‌بندی کرد. نخستین مرحله که اساس و پیدایش دانش ادبیات تطبیقی در روسیه است، به اواسط سده نوزدهم بازمی‌گردد، هنگامی که محققانی مانند استاسوف، وسلوفسکی، هم تحت‌تأثیر پژوهشگران غربی، به‌ویژه آلمانی، و هم به واسطه مشاهدات علمی - تحقیقاتی خود، به شباهت‌های جالب توجهی میان آثار مختلف ادبیات روسیه و سایر ملل برخوردند و برای توجیه این همانندی‌ها نظریات گوناگونی ارائه می‌کردند: عده‌ای علت را در تأثیرپذیری مستقیم ادبیات ملل از یکدیگر می‌جستند و می‌کوشیدند تا با تکیه بر روابط تاریخی و فرامتنی زمینه‌های این تأثیر و تأثر را روشن کنند، و برخی دیگر، در همان زمان، به درون مایه‌های عام و فراگیر و جهان‌شمول انسانی در آثار ادبی قائل بودند. تقابل این نگرش‌ها به‌ویژه در حوزه مطالعاتی که به مقایسه آثار حماسی روسی با سایر حماسه‌های جهان، از جمله شاهنامه فردوسی، اختصاص داشت، به نتایج جالب‌توجهی انجامید. مرحله دوم، به دوره پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بازمی‌گردد که به تبع نگرش‌های ایدئولوژیک حاکم، نقش شرایط تاریخی - اجتماعی در پیدایش همانندی‌های آثار ادبی بسیار پررنگ‌تر از پیش ارزیابی می‌شد. در میان پژوهشگران این دوره، افرادی همچون ژیرمونسکی و کنراد، شهرت بیش‌تری دارند.

مرحله سوم دوره پس از فروپاشی شوروی را در برمی‌گیرد. با عوض شدن نظام ارزش‌ها و چارچوب‌های نظری - عقیدتی حاکم بر نقد ادبی، شیوه پژوهش‌های تطبیقی نیز دستخوش تغییر چشمگیری شد و اکنون، کم‌وبیش، با معیارهای رایج این دانش در غرب همسو شده است.

این هم‌اندیشی با پرسش و پاسخ حاضران به کار خود پایان داد.



گزارش نشست نقد کتاب «واسازی متون جلال آل احمد؛ سوژه، نهیلیسم و امر سیاسی»

پژوهشکده زبان و ادبیات با همکاری انجمن علمی «نقد ادبی ایران»، دومین نشست نقد کتاب در زمینه پژوهش‌های ادبی را با عنوان نقد کتاب «واسازی متون جلال آل احمد؛ سوژه، نهیلیسم و امر سیاسی»، در روز دوشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۶ در محل پژوهشگاه برگزار کرد. در این نشست کتاب واسازی متون جلال آل احمد؛ سوژه، نهیلیسم و امر سیاسی تألیف مجتبی گلستانی با حضور منتقدان دکتر مهدی معین زاده و احمد ابوالفتحی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. دبیر این نشست خانم دکتر زهرا حیاتی بود.

«بازخوانی انتقادی متون جلال آل احمد (۱۳۰۲-۱۳۴۸ ش) در این کتاب با دو دغدغه مشخص صورت گرفته است: نخست، درافتادن با اقتدار و مرکزیت برخی از برجسته‌ترین و پرخواننده‌ترین متون ادبی و فرهنگی ایران معاصر که صرفاً به انتقاد ادبی از نوع بلاغی یا ملانقطی راه نمی‌برد، بلکه مطالعات ادبی را به مطالعات فرهنگی و علوم انسانی جدید پیوند می‌زند؛ و دوم، گشودن فضای نظریه و نقد ادبی به مباحث بنیادی شکل‌دهنده جریان روشن فکری که نقد ادبی را تا عرصه بازخوانی و بازنویسی تاریخ و مدرنیته ایرانی می‌گستراند. استراتژی این نوشتار انتقادی واسازی است. واسازی یک روش و شیوه یا یک نظام (فلسفی و نظری و...) متشکل و منسجم بر ساخته از ایده‌های معین نیست. واسازی، در بهترین حالت، دست کم برای نقد ادبی، یک راهبرد یا استراتژی برای خوانش متن است.»

خلاصه نقدی که منتقدان درباره کتاب مطرح کردند به این شرح است:

احمد ابوالفتحی، که در روزهای اخیر به انتشار مجموعه داستان کوتاه پل‌ها شناخته شده و به تصریح منتقدان، به شیوه و بیان و عناصر داستان اشراف دارد، معتقد است: کتاب «واسازی متون جلال آل احمد؛ سوژه، نهیلیسم و امر سیاسی» به سبب بازخوانی انتقادی متن و ایجاد تشکیک در روایت‌های مرسوم از آل احمد، به مثابه یک کنش اجتماعی است که با گشودن راهی جدید در خوانش آثار این نویسنده در خور توجه است. از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب، ایجاد تقابل میان مؤلف‌محوری و متن‌محوری است. نویسنده قصد دارد با استناد به شواهد متنی از «من استعلائی» جلال آل احمد عبور کند و او را با آل احمد واسازی شده جایگزین نماید؛ البته در تحقق این هدف با یکدستی مواجه نیستیم و نویسنده با موفقیتی نسبی پیش رفته است. در مجموع کلیت پژوهش براساس مسئله و هدفی که محقق تعریف کرده، نقطه عطفی در خور تقدیر است که می‌تواند راهشگا و جریان‌ساز باشد.

دکتر مهدی معین زاده که با فعالیت پژوهشی میان رشته‌ای در حوزه‌های فلسفه، ادبیات و پزشکی شناخته می‌شود، به این نکته فلسفی-روش‌شناختی در کتاب اشاره کردند: متن در زمینه اتکاء به نظریه فوکویی با اغراق و تراکم پیش رفته است. اینکه در رویکرد فوکو، متن به روابط قدرت ارجاع می‌دهد و قصد افشاگری دارد، به دستاوردی پیش‌برنده نخواهد انجامید. همچنین مسئله مرگ مؤلف که در جلسه به آن اشاره شد، اصطلاحی است که باید مورد بازنگری قرار گیرد و بنیاد وجودشناختی آن در فلسفه بازخوانی شود.

در پایان نشست پس از پرسش و پاسخ میان مخاطبان و منتقدان، پیشنهاد شد در نشست‌های بعد، نسبت بیان نقد ادبی و فلسفه مورد توجه قرار گیرد.



کارگاه «زندگی هدفمند: طراحی آینده»

به همت معاونت فرهنگی- اجتماعی، کارگاه یک روزه «زندگی هدفمند: طراحی آینده» با حضور دکتر شاهین فرهنگ از روانشناسان برجسته کشور برگزار شد. وی در این کارگاه که با استقبال قابل توجه از سوی مخاطبان مواجه شد، به بحث «هدف زندگی» پرداخت و گفت: «هدف خواسته‌ای است دقیق و روشن که به محض اعلام و بارها پس از آن ذهن ما را درگیر می‌کند تا احتمال رسیدن به خواسته بیشتر شود.»

وی تأکید کرد: «اهداف انسان باید دقیق و روشن و در عین حال بزرگ باشد تا بتواند انسان را به حرکت در مسیر اهداف وادارد، چنانچه امام علی (ع) نیز می‌فرمایند بزرگ فکر کن و کوچک عمل کن. همچنین اهداف باید هم شامل جنبه مادی زندگی باشد و هم ابعاد معنوی زندگی را دربرگیرد تا انسان از حالت اعتدال خارج نشود.»

دکتر فرهنگ با ذکر مثال‌های متعدد خاطر نشان کرد: «۸۰ درصد از موانع رسیدن به اهداف، درونی و مرتبط با خود فرد است و تنها ۲۰ درصد از موانع بیرونی و به محیط پیرامونی انسان برمی‌گردد.»

این روانشناس برجسته با برشمردن ویژگی‌های انسان‌های موفق تأکید کرد: «انسان‌های موفق بیشتر از دیگران شکست می‌خورند و در عین حال هیچگاه تسلیم نمی‌شوند. بنابراین کسانی که تسلیم می‌شوند هیچ‌گاه موفق نمی‌شوند. از امام علی (ع) نیز روایت است که اگر می‌خواهی در زندگی به اوج برسی در زندگی تسلیم نشو.»

وی در مورد نحوه طراحی یک زندگی هدفمند اظهار داشت: «اگر می‌خواهید زندگی هدفمندی داشته باشید، از همین الان شروع کنید. ابتدا هدف یک ماهه‌ای در نظر بگیرید و آن را روی کاغذ بنویسید و جایی بگذارید که جلوی دیدتان باشد و هر لحظه آن را ببینید تا در ذهن‌تان رسیدن به آن هدف نهادینه شود. اما اگر پس از موعد مقرر موفق نشدید، ناامید نشوید و از نو شروع کنید و بعد اهداف چند ماهه برای خودتان بنویسید. به همین ترتیب اهداف سالانه و... را طراحی و در نهایت پیگیری کنید.»

دکتر فرهنگ در پایان خاطر نشان کرد: «برای رسیدن به اهدافتان تلاش کنید و هیچگاه ناامید نشوید. مانند انسانی باشید که زمین می‌خورد و دوباره بلند می‌شود و به راه خود ادامه می‌دهد. مانند انسانی نباشید که زمین می‌خورد و از بلند شدن و ادامه دادن به بقیه راه ناامید می‌شود.»



نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «بازار کار، بیکاری و امنیت اجتماعی در ایران»



گروه پژوهشی جامعه و امنیت نهمین جلسه نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی را با عنوان «بازار کار، بیکاری و امنیت اجتماعی در ایران» با ارائه دکتر وحید شقاقی در روز سه‌شنبه ۳۰ خرداد برگزار کرد. در این جلسه که با حضور آقای محمدعلی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت و در محل پژوهشگاه علوم انسانی برگزار گردید، دکتر وحید شقاقی به بررسی آثار و پیامدهای پدیده بیکاری بر وضعیت امنیت اجتماعی در کشور پرداخت که در ادامه بخشی از مباحث مطرح شده توسط ایشان به تلخیص می‌آید: در حال حاضر ۲,۹ میلیون نفر بیکار، ۲,۴ میلیون نفر دارای اشتغال ناقص و نزدیک به ۱ میلیون نفر افراد دلسرد از اشتغال در کشور وجود دارد. همچنین نزدیک به ۴,۸ میلیون دانشجوی در حال تحصیل در کشور وجود دارد که در آینده نزدیک به افراد جویای کار اضافه خواهند شد. طبق پیش‌بینی‌ها با تداوم وضعیت کنونی، تعداد بیکاران (اگر به آن شاغلین ناقص و دلسرشدگان از بازار کار را اضافه کنیم) در افق ۱۴۰۰ جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون نفر خواهد شد.

این پیش‌بینی را می‌توان با ابتناء بر داده‌های بدست آمده از فرآیند اشتغال‌زایی در کشور صائب دانست زیرا براساس نتایج آمارگیری نیروی کار که توسط مرکز آمار ایران تهیه شده است، اشتغال کشور طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تقریباً ثابت و در بازه ۲۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تا ۲۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در نوسان بوده است. بر این اساس، اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۱، به مدت ۸ سال تقریباً هیچ اشتغال خالصی ایجاد نکرده است. در واقع، اشتغال‌زایی بعد از سال ۹۱ افزایش یافته ولی در مقابل، ورود نیروی آماده به کار نیز افزایش یافته است، ولی از آن‌جا که نرخ ورود نیروی آماده به کار بیشتر از میزان اشتغال‌زایی بوده، نرخ بیکاری روندی افزایشی داشته است و این در شرایطی است که پنجره جمعیتی ایران نشانگر وجود جمعیت جوان گسترده‌ای است که لزوم اشتغال‌زایی را دوچندان می‌نماید. مسئله بیکاری به‌واسطه خلق تهدیدات اقتصادی، وضعیت امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. پدیده بیکاری با ایجاد شاخص فلاکت (جمع نرخ بیکاری و نرخ تورم) رابطه مستقیم داشته و این در شرایطی است که بنابر گزارش بولتن نیوز شاخص فلاکت با رشد جرم و جنایت در یک جامعه رابطه مستقیمی دارد. همچنین شاخص فلاکت با شاخص شادمانی رابطه معکوس دارد. به گزارش اکونومیست در سال ۲۰۱۱ در کشورهای در حال توسعه، که یکی از تأثیرات مخرب بیکاری، کاهش سطح شادمانی در جوامع است. امریکا با به مخاطره انداختن موجودیت و حتی هویت افراد نوعی ناامنی ذهنی جامعه مینا را به همراه دارد.

در پایان آقای محمد علی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت، خاطر نشان کرد، نارسایی‌های اجتماعی همواره در جوامع مختلف وجود دارد اما این نارسایی‌ها زمانی نگران‌کننده خواهد بود که شاخص‌های امنیت را به شدت دست‌خوش تغییر و تحول قرار داده و مبنای لازم برای یک زندگی امن را از میان بردارند. چراکه بنابر تعریف امنیت اجتماعی عبارت است از اطمینان خاطر افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت به حفظ موجودیت، هویت و ارزش‌های خود در برابر تحولات عادی و تحرکات عمدی.



جلسه مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «ریزگردها و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی در ایران»

ریزگردها منشأ خارجی داشته و اغلب آنها در شمال شرق سوریه، شمال غرب عراق و شمال شرق عربستان قرار دارند. با این وجود، ریزگردها پس از ورود به مرزهای ایران تشدید می‌شود. در واقع، رشته کوه‌های زاگرس در استان خوزستان می‌توانست به مثابه یک سد طبیعی در برابر این ریزگردها عمل کند و مناطق جلگه‌ای استان خوزستان نیز تا حدود زیادی از شدت این بحران بکاهد اما به دلیل قطع بی‌رویه درختان در دامنه‌های زاگرس از یکسو و پروژه‌های انتقال آب از استان و همچنین سدسازی‌های گسترده بر کارون و به دلیل آسیب‌هایی که اکوسیستم منطقه در اثر سدسازی‌های گسترده دیده است، عملاً این ریزگردها پس از ورود به ایران تشدید می‌شوند. بنابراین، سه ضلع مثلث موجد پدیده زیرگردها را می‌توان سدسازی و پروژه‌های انتقال آب، خشکسالی و عوامل برون‌مرزی دانست.

یکی از عوامل مهم برون‌مرزی مؤثر بر این بحران، اقدامات ترکیه به منظور مهار آب رودخانه‌های دجله و فرات با اجرای طرح گاپ و تأسیس سد آتاتورک (بزرگترین سد خاوریانه که به تنهایی معادل همه سدهای ایران آبگیری می‌شود) و سد ایلیسو است. سد آتاتورک اخیراً آبگیری شده و سد ایلیسو هنوز آبگیری نشده است که در صورت آبگیری بحران ریزگردها تشدید خواهد شد. زیرا حجم مخزن این دو سد معادل ۹۴ میلیارد متر مکعب است و این در شرایطی است که حجم همه روان آب‌ها و آب‌های سطحی در کشور ایران حدوداً معادل ۱۰۰ میلیارد متر مکعب است. این واقعیت لزوم سیاستگذاری سریع در این زمینه را دوچندان می‌سازد.

ریزگردها پیامدهای منفی گسترده‌ای بر امنیت اجتماعی استان خوزستان و کشور دارند که از جمله آنها می‌توان به امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیتی اقتصادی، تغییرات جمعیتی و مهاجرت و امنیت منابع زیستی اشاره کرد. طبعاً مواردی نظیر جابه‌جایی جمعیت عوارضی همچون حاشیه‌نشینی را در پی داشته که از جمله معضلات اجتماعی محسوب می‌شود و امنیت روانی جامعه میزبان و میهمان را هم‌زمان به مخاطره می‌افکند. همچنین به واسطهٔ برهم زدن آمایش سرزمینی منجر به تغییر نامطلوب کاربری اراضی می‌شود. آمایش سرزمینی عبارت است از توزیع متوازن فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی با قابلیت‌ها و منابع طبیعی در یک پهنهٔ سرزمینی مشخص. در نتیجه، بحران ریزگردها تأثیرات متعدد و مهمی بر امنیت اجتماعی دارد.

در پایان آقای محمد علی مینایی، با اشاره به اینکه امروزه محیط زیست یکی از مهمترین موضوعات در ایران و جهان محسوب می‌شود و پیمان پاریس به لحاظ اهمیت با پیمان ناتو برابری می‌کند خاطر نشان کرد این واقعیت ضرورت پرداختن به مباحث زیست محیطی را دوچندان می‌کند.

گروه پژوهشی جامعه و امنیت دهمین جلسهٔ مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی خود را با عنوان «ریزگردها و پیامدهای آن بر امنیت اجتماعی در ایران» با ارائه دکتر سید علی حسینی در روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه برگزار کرد.

در این جلسه که با حضور آقای محمد علی مینایی، مدیر گروه پژوهشی جامعه و امنیت و در محل پژوهشگاه علوم انسانی برگزار گردید، دکتر سید علی حسینی به بحث و بررسی پیرامون ریزگردها و آثار آن بر امنیت اجتماعی در کشور پرداختند که در ادامه بخش‌هایی از این گزارش به تلخیص می‌آید:



در ابتدای جلسه، جناب آقای محمد علی مینایی با اشاره به تکوین رویکرد نوین در حوزهٔ امنیت پژوهی خاطر نشان کرد؛ در این رویکرد به زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی امنیت توجه می‌شود. ابعادی که در رویکرد سنتی به امنیت مغفول می‌ماند. محیط زیست یکی از مهمترین ابعاد در راستای دستیابی به امنیت پایدار است. این بعد دارای مؤلفه کیفیت است که این مؤلفه خود دارای زیرشاخص‌هایی از جمله کیفیت آب، خاک و هوا است. به طور کلی، اختلال در این بعد، تالی فاسدهای زیادی در سایر ابعاد به همراه خواهد داشت. بنابراین، این جلسه از نشست مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی به بررسی معضلات زیست محیطی ریزگردها و تأثیر آن بر امنیت و راهبردهای مقابله با آن اختصاص یافته است.

ریزگردها را با توفان‌های شن که در بسیاری از مناطق صحرایی و بیابانی وجود دارد نباید یکسان گرفت. ریزگرد پدیده‌ای است مخلوق دخل و تصرف انسان در طبیعت، درحالی که توفان شن پدیده‌ای طبیعی است. به علاوه، ذرات شن ۲ تا ۷ برابر درشت‌تر از ذرات ریزگرد است، همین تفاوت در ابعاد موجب تأثیرات بسیار مهمی می‌شود. ذرات ریزگرد به دلیل کوچکی کمتر از ۱۰ میکرون (یا یکصدم میلی‌متر) می‌توانند آسیب شدیدی بر فعالیت حیاتی گیاهان و جانوران وارد کنند. براساس تصاویر ماهواره‌ای به دست آمده توسط سنجنده مدیس تقریباً همهٔ مراکز شکل‌دهنده



ذائقه مخاطب را دریابیم



در عصر ارتباطات و تکنولوژی راهکارهای مؤثری برای جذب مخاطب وجود دارد که باید آنها را مورد مطالعه قرار داد و در عمل نیز حین برگزاری همایش‌ها، سخنرانی‌ها و مناسبت‌های مختلف، جزئیات آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. همه می‌دانیم امروزه اکثر مخاطبان ما در شبکه‌های بخش مجازی فعال هستند و سوژه‌ها و موضوعات مختلف را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهند. بنابراین نباید انتظار داشت یک استاد با شیوه‌های سنتی بتواند توجه مخاطبان را به خود معطوف سازد. لازم است اساتید و اعضای هیأت علمی برای حضور و فعالیت در چنین فضاهایی روزانه وقت و فرصت کافی صرف کنند و به پرسش‌های مطرح شده هرچند کوتاه پاسخگو باشند. حتی آنهایی که واقعاً فرصت ندارند برای این کار وقت بگذارند در جهت کسب موفقیت‌های بیشتر می‌توانند برای خود ادمن یا کارشناس رسانه‌ای اختیار کنند و از تحولات و توقعات مخاطبان بی‌خبر نمانند. همین ارتباطات است که می‌تواند ذهن اساتید را درباره ذائقه و خواسته‌های مخاطب دنیای دیجیتال روشن کند تا وقتی پشت تریبون قرار می‌گیرد با تسلط بر موضوع سخنرانی کند و بی‌شک با این شیوه حرف‌های آنها نیز می‌تواند انعکاس و ارتعاش خاصی در جوامع خواهد داشت. دیگر برای یک استاد افتخار نیست که بگوید، بنده اصلاً به فضای مجازی علاقه‌ای ندارم و حتی ایمیل‌هایم را هم نمی‌بینم و...

ختم کلام اینکه اگر می‌خواهیم صدایمان شنیده شود و دانشجویها و عامه مردم درباره آن به بحث و تبادل نظر بپردازند، لازم است در راه برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، ذائقه او را بشناسیم و در مورد علاقمندی‌ها و نیازهای او به تحقیق و مطالعه بپردازیم و هرگز بدون مطالعه پشت تریبون قرار نگیریم.

شهرام اصغری

کارشناس روابط عمومی

امروز اساتید و سخنرانان برای جذب مخاطب و برقراری ارتباط دوسویه شاید در ظاهر کار دشواری ندارند اما همین موضوع از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که اگر بدان توجه نشود، روزی فرا می‌رسد که مخاطبان ما جذب منابع و سوژه‌های جدیدی می‌شوند و ایجاد ارتباط دوباره با آنها دشوار و ناممکن می‌شود. امروز کسی که پشت تریبون قرار می‌گیرد، برای حفظ یا جذب مخاطب باید عملکرد و نگاهی متفاوت نسبت به گذشته‌ای که چندین دور داشته باشد. گذشته‌ای که منابع خبری و رسانه‌ای محدود بود و مخاطب برای برقراری ارتباط با سوژه مورد نظرش اختیار آنچنانی نداشت و مجبور بود همان یکی، دو گزینه پیش رو را انتخاب کند اما حالا شرایط به کلی تغییر کرده و مخاطب با تعدد رسانه‌ها، غول‌های خبری و شبکه‌های مجازی مواجه است که برای برقراری ارتباط با سوژه و موضوع خاص خود، حق انتخاب دارد. امروز اساتید ما باید باور کنند ذائقه مخاطب تغییر کرده و دیگر مثل سابق با هر نوع نوشیدنی سیراب نمی‌شود ضمن اینکه مؤلفه‌های برقراری ارتباط با مخاطب نیز ثانیه به ثانیه فرق می‌کند و در هر مکان نیز شرایط و ویژگی‌های خاصی دارد که نباید از آن غافل ماند.

در گذشته خیلی راحت می‌شد با تولید خبر احتمالی و محتوای الکترونیکی به مخاطب رسید و با گیرنده پیام با ضریب شانس بالایی ارتباط مؤثر برقرار کرد اما حالا شرایط کاملاً تغییر کرده است که اگر استادی از این ظرافت‌ها باخبر نباشد، مجبور می‌شود فقط به صدای خالی زل بزند و بس! مخاطب امروز ما دنبال چکیده اخبار و خلاصه‌گویی است و انتظار دارد راوی خیلی سریع و در کمترین زمان ممکن به هرم و قله موضوع مورد بحث برسد. امروز دیگر مثل سابق مخاطب ما صبر و حوصله ندارد و خودش در رابطه با موضوع تخصصی مورد نظر، دنیای اینترنت را به تعبیری شخم زده و توقع دارد استادی که پشت تریبون قرار می‌گیرد، جملاتی متفاوت با نگاهی تازه تر ارائه کند و ذهن او را به مسیری جدید و ناشناخته سوق دهد.



مدرسه تابستانی با موضوع «تحکیم صلح و نفی خشونت» برگزار شد

دومین مدرسه تابستانی با موضوع «تحکیم صلح و نفی خشونت‌ورزی و افراطی‌گری»، در روزهای ۲۴ تا ۲۷ تیرماه در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. در این دوره که به همت معاونت فرهنگی-اجتماعی و با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی اجرا شد، اساتید حوزه‌های مختلف علوم انسانی به تبیین جایگاه صلح و راهکارهای تحکیم آن پرداختند.



بر این اساس، دکتر محمد حسن ضیایی‌فر، دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی، در اولین جلسه در تاریخ ۲۴ تیرماه به تبیین اهمیت صلح از منظر موازین حقوق بشر پرداخت و ضمن بیان تاریخچه مباحث صلح در قوانین بین‌المللی و ملی، مثال‌ها و نمونه‌های متعددی را در سطح جهانی و داخلی در این رابطه مطرح کرد.

در ۲۵ تیرماه، روز دوم این مدرسه، دکتر سید محمد امین قانع‌راد، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور و دبیر پیشین



انجمن جامعه‌شناسی ایران به مسأله صلح از منظر جامعه‌شناسی پرداخت و نظریه‌های مختلف اندیشمندان جامعه‌شناس را در مورد علل بروز خشونت در سطح جامعه و راهکارهای ایجاد صلح با تکیه بر راه حل‌های اجتماعی مرور نمود.

در روز سوم این مدرسه، در تاریخ ۲۶ تیرماه، حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد علی ایززی با طرح مبحث صلح از منظر دین اسلام، به تشریح «آیات صلح در قرآن» پرداخت و ضمن مرور آیات مختلف، به پرسش‌ها و ابهام‌های متعدد دانشجویان در این رابطه پاسخ گفت. حجت الاسلام ایززی با تقسیم آیات به دو بخش آیات دعوت به دین و آیات جهاد و قتال، تفسیر هر دسته از آیات را با تأکید بر محوریت داشتن صلح در مباحث اسلامی، تبیین نمود.





در روز ۲۷ تیرماه، روز پایانی این مدرسه، دکتر سید محسن فاطمی فوق دکترای روانشناسی از دانشگاه هاروارد و مدرس این دانشگاه به بحث پیرامون «روانشناسی صلح» پرداخت و رفتارهای شخصی که به لحاظ علم روانشناسی موجبات تحکیم صلح را فراهم می‌آورد، با ذکر مثال‌های متعدد تبیین نمود. دکتر فاطمی با بیان احادیثی از پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) و همچنین نمونه‌های رفتاری ایشان، اهمیت این موضوع را از دیدگاه دین یادآور شدند. در پایان این دوره از مدرسه تابستانی که با استقبال قابل توجه دانشجویان مواجه شد، به حضاران گواهی معتبر از سوی معاونت فرهنگی-اجتماعی ارائه گردید.

نشست نقد دستور: «وابسته‌های فعل زبان فارسی»

پژوهشکده زبان و ادبیات جلسه سوم از نشست نقد دستور: «وابسته‌های فعل زبان فارسی» را با سخنرانی دکتر عباسعلی وفائی



(عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) و با حضور استاد ابوالقاسم رادفر، دکتر شعبانلو، دکتر طاهر و جمعی از دانشجویان و علاقمندان به این حوزه، مورخ ۹۶/۴/۲۶ در سالن ادب برگزار کرد. دکتر وفائی پس از بیان خلاصه‌ای از جلسات قبل به مبحث وابسته‌های فعل با ظرفیت فعل در دستور زبان فارسی پرداخت و بیان کرد: مقوله‌های دستوری (اسم، صفت، فعل، قید، حرف) هر کدام وابسته‌هایی را می‌پذیرند که فعل نیز به عنوان یک هسته نیاز به وابسته‌هایی دارد به همین سبب ما گروه اسمی، گروه فعلی و...

داریم.

محدودترین وابسته‌ها مربوط به صفت است و قید؛ اما بیشترین

وابسته‌ها از آن فعل و اسم است. از دیدگاه دستورنویسان سنتی گروه آن است که چند واژه در کنار هم نقشی دارند و این تعریف ناظر به نقش نحوی است برعکس در دستورهای جدید که ناظر به مباحث صرفی است گروه می‌تواند یک واژه باشد به‌تنهایی، و به تعداد مقوله‌های دستوری گروه داریم.

البته بهتر است بگوئیم که گروه فعل به سازه‌های موجود در یک فعل اعم از شناسه، همکرد و اطلاق می‌شود و گروه فعلی مجموعه وابسته‌هایی است که یک فعل می‌تواند داشته باشد. فعل حداکثر ۶ وابسته می‌تواند داشته باشد که عبارتند از الف- وابسته‌های اجباری (۴ مورد): مفعول، متمم، مسند مفعولی، مسند متممی ب- وابسته‌های اختیاری (۲ مورد): متمم اختیاری و قیدی. با توجه به ترکیبی بودن زبان فارسی عمده فعل‌ها وابسته‌پذیرند، دستورنویسان سنتی فعل‌های ناگذر و گذرا را از حیث ظرفیت‌ناپذیری و ظرفیت‌پذیری تعریف کرده‌اند درحالی‌که فعل‌هایی مثل «رفت»، «آمد»، «خندید»، و... ظرفیت‌پذیرند زیرا فعل ظرفیت زمانی و مکانی دارد. همچنین برخی دیگر از دستورنویسان معتقد به فعل‌های دومفعولی هستند در حالی که ما در زبان فارسی فعل دومفعولی نداریم بلکه متمم‌های چندگانه با فعل به کار می‌رود اما فقط یک مفعول را می‌پذیرد. کاربرد تمیز نیز در زبان فارسی غلط است و مرحوم خیامپور نیز تمیز را متمم دانسته‌اند.

در زبان فارسی فعل‌هایی با وابسته‌های بیشتر (متمم‌های اختیاری) داریم. تاکنون هیچ دستور زبانی کاملاً مشخص نکرده است که کدام قیده‌ها یا حرف‌ها متعلق به کدام فعل هستند یا اینکه کدام فعل‌ها وابسته به کدام اسم است از نظر نوع ساختمان نیز وابسته‌ها یا واژه‌اند یا غیر واژه (جمله). وابسته‌های اسم اغلب به صورت صفت و مضاف‌الیه‌اند یعنی غیرهسته‌ای یا واژگانی هستند در حالی که در فعل وابسته‌ها اغلب هسته‌بنیاد هستند، مانند: گفت که بی من نرو.

گزارش جلسه دفاعیه محمد فروغی دانشجوی دکتری حکمت متعالیه

تاریخ برگزاری: ۹۶/۰۴/۱۷

موضوع: تحلیل انتقادی مادیت ادراک با تکیه بر آراء صدرالمتهالین

استاد راهنما: دکتر هادی وکیلی

استادان مشاور: دکتر اعظم قاسمی، دکتر مهدی معینزاده

استادان داور: دکتر محمد سعیدی مهر، دکتر مریم صانع پور،

دکتر علیرضا منصوری

این جلسه روز شنبه با حضور هیأت داوران رساله در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی برگزار گردید.

دانشجو در مدت نیم ساعت به دفاع از رساله خویش پرداخت که خلاصه سخنان او به شرح ذیل است:

وجوه نوآوری رساله عبارت هستند از:

۱. ارایه یک تعریف جدید برای امر مادی و مجرد با استفاده از منطق فازی.

۲. احصاء اصول کلی استدلال‌های قایلین به مادیت ادراک.

۳. احصاء اصول کلی استدلال‌های مجرد ادراک صدرایی.

۴. پاسخ به استدلال‌های مادیت ادراک با تکیه بر اصول صدرالمتهالین

۵. شرح یک مدل شبیه‌سازی ادراک بصری انسان با استفاده از هوش مصنوعی و بررسی فلسفی آن.

رساله در شش بخش سامان یافته است. بخش نخست به بررسی ادبیات موضوع پرداخته و با بررسی تعاریف موجود از مادیت و مجرد و بیان این امر که نفس انسانی واحد تشکیکی ذومراتب است که یک سر آن ماده جسمانی و سر دیگرش مجرد نطقی است، نشان می‌دهد که مادی و مجرد دو طرف یک طیف هستند؛ سپس نشان داده می‌شود که اموری که اینگونه ساختار طیف وار دارند را نمی‌توان با حصر عقلی تعریف نمود. نهایتاً پژوهشگر با استفاده از منطق فازی تعریفی جدید برای امر مادی و مجرد ارائه می‌دهد.

در فصل دوم رساله به بررسی دو گروه استدلال می‌پردازد: استدلال‌های علیه دوگانه انگاری و استدلال‌های له مادیت ادراک. استدلال‌هایی که در گروه اول بررسی شدند اینها بودند:

برهان سادگی دیدگاه فیزیکیالیستی

برهان ناتوانی تبیین دیدگاه دوگانه‌انگاری

برهان وابستگی عصبی

برهان تاریخ تکاملی

برهان تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی

برهان مغز دوطرفه

در گروه دوم دلایل نظریات زیر بررسی شدند:

رفتارگرایی فلسفی

ماتریالیسم تحویل‌گرا

کارکردگرایی

ماتریالیسم حذف‌گرا

نهایتاً پژوهشگر بعد از بررسی و تحلیل استدلال‌های فوق به این نتیجه رسید که سه دلیل زیر قوی و قابل اعتنا هستند:

وابستگی عصبی

تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی

برهان مغز دوطرفه

در فصل سوم چهارده برهان بر تجرد نفس بررسی و نقد شدند، براهین ضعیف‌تر حذف شده و نهایتاً بعد از حذف برهان‌های تکراری و مشابه دو اصل کلی که صدرالمتهالین در خصوص تجرد نفس استفاده کرده است به صورت زیر احصاء شد:

۱. ماده نمی‌تواند محل ادراک و آگاهی باشد.

۲. امر کلی نمی‌تواند در ماده حلول کند و کلی همواره مقارن است با تجرد.

در فصل چهارم نتیجه فصول دوم و سوم مقایسه شد و سعی شد با استفاده از اصولی که در فصل سوم و فصل اول استخراج شده به دلایل مطرح شده در فصل دوم پاسخ داده شود. نتیجه فصل چهارم این است:

دو دیدگاه رفتارگرایی و کارکردگرایی برای ادعای خود دلیلی اقامه نکرده‌اند

رفتارگرایی امروزه منسوخ شده و طرفداری ندارد.

دیدگاه کارکردگرایی هم صرفاً یک نظریه است و از تبیین سازوکار دقیق ارتباط ذهن و بدن عاجز است

دلایل مطرح‌شده برای ماتریالیسم حذف‌گرا و نظریه این همانی به این دلیل که مبتنی هستند بر استقرار و امید به پیشرفت دانش عصب شناسی در آینده، خیلی محل تأمل نیستند.

برهان سادگی دیدگاه فیزیکیالیستی مبتنی است بر پذیرفتن اصل اوکام و متد علمی و پشتوانه برهانی و فلسفی ندارد.

برهان‌های ناتوانی تبیین دیدگاه دوگانه انگاری، تاریخ تکاملی، وابستگی عصبی، تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی و برهان مغز دوطرفه با نظر صدرالمتهالین و دیدگاه دوگانه انگاری خاصه‌ای سازگاری دارند ولی با دیدگاه‌های شدید تر دوگانه انگاری و همچنین نظر ابن سینا در خصوص تجرد نفس انسانی سازگار نیستند.

سپس پژوهشگر به بیان فصل پنجم رساله که بررسی یک نمونه کاربردی از استفاده از هوش مصنوعی برای شبیه‌سازی ادراک بصری انسان است می‌پردازد و بعد از آن به تحلیل فلسفی مثال ذکر شده می‌پردازد.

نهایتاً در فصل ششم نتایج زیر برای رساله جمع‌بندی می‌شود:

لزوم ارائه تعریف جدید برای مادی و مجرد، برای این منظور منطق فازی ابزار مناسبی است.

در خصوص دلایل قائلین به مادیت ادراک سه دلیل وابستگی



عصبی، مغز دویاره و تأثیر روان‌گردان‌ها بر آگاهی از اتقان کافی برخوردار هستند.

در خصوص براهین تجرد نفس صدرایی دو مبنای کلی «غیر مادی بودن آگاهی» و «غیر مادی بودن امر کلی» از سایر مبانی قوی‌تر بوده و با پیشرفت‌های علوم جدید هنوز هم قابل استفاده هستند.

در خصوص نفس ناطقه انسانی، وحدت تشکیک نفس و این امر که نفس انسانی در عین وحدت دارای مراتب متعدد و طیف‌واری است که از مادیت شروع شده و تا تجرد می‌رسد، اصلی است که به ما در مواجهه با سه برهان مطرح شده در فصل دوم کمک می‌کند.

با استفاده از اصل ذکر شده می‌توان حتی با قبول صحت سه برهان ذکر شده، کماکان معتقد به دوگانه‌انگاری نفس و بدن (البته روایت صدرایی و نه سینیوی) باشیم.

در خصوص کارکردگرایی فلسفی و هوش مصنوعی، با استفاده از یک آزمایش ذهنی نشان داده شد که نظریات مطرح شده قابل تأمل هستند و نمی‌توان به سادگی از کنار کارکردگرایی گذشت؛ هرچند کارکردگرایی در تبیین آگاهی و منظر اول شخص از کیفیات ذهنی ناتوان است، ولی شاید اصلاً نیازی به چنین تبیین‌هایی هم نباشد.

سپس دکتر مریم صانع‌پور استاد داور داخلی دیدگاه خود را دربارهٔ رساله بیان می‌کند. ایشان پس از بیان برخی محاسن رساله به بیان ایرادات زیر پرداختند:

۱. بهتر است از برهان بساطت خیال هم استفاده گردد، در این خصوص به مقاله خودشان با عنوان رویکردی تطبیقی به نظریه خیال در آرای ابن عربی و ملاصدرا اشاره کردند.
۲. به تفاوت زیاد ادراک انسان با هوش مصنوعی اشاره کردند.
۳. برخی ارجاعات دست دوم است و باید اصلاح گردد.

پاسخ دانشجو

۱. به مقاله ایشان ارجاع داده خواهد شد و از نظر ایشان هم استفاده خواهد شد.
۲. توضیحاتی در خصوص اینکه در نگاه کارکردگرایی به هوش مصنوعی مهم خروجی کار است و نه تفاوت‌ها داده شد.
۳. ارجاعات اصلاح خواهد شد.

سپس دکتر محمد سعیدی‌مهر استاد داور خارجی به بیان نظرات خود پرداختند.

برخی اغلاط تایپی، ارجاعات عبودیت و مطهری اصلاح شود. چکیده بیش از حد مفصل است و کوتاه شود (وارد توضیحات فصول نشوید). اشاره به تفاوت پارادایمی صدرایی و فلسفه ذهن معاصر. نفس انسانی در همان بدایت امر هم جوهر است و عرض نمی‌باشد لذا مقایسه آن با دوگانه‌انگاری خاصه ای خالی از وجه است. مادیت ادراک یا مادیت نفس؟ یا عنوان رساله اصلاح شود یا توضیحاتی در این باب اضافه گردد. تفاوت ماده در فلسفه و فیزیک: ضعیف بیان شده، ارجاع به مطهری اصلاح شود. در

خصوص تجرد نفس نباتی که از عبودیت نقل شده دلیل صدرایی ذکر شود. ضابطه ای که برای تجرد در تعریف فازی از مادی و مجرد ذکر شده است شفاف نیست: قوه و فعل شدید و ضعیف دارد؟ در فصل اول تعاریف ادراک و آگاهی مفصل تر شود و از منابع معتبرتر هم استفاده گردد. ص ۴۲ در ذکر نمونه‌های حالات ذهنی عمل کردن را آورده‌اید که احتمالاً غلط تایپی است. دقیق بیان شود که اصل اوکام فلسفی است یا علمی به نظر می‌رسد فلسفی باشد. در خصوص اعداد در فصل دوم نکاتی را بیان کردند. در خصوص برهان انسان معلق در فضا به مقاله خودشان با عنوان برهان انسان معلق در فضا مراجعه گردد و همچنین در خصوص آزمایش ذهنی به همان مقاله استناد شود.

پاسخ دانشجو

موارد اصلاح ارجاعات، اغلاط تایپی و چکیده قرار شد اصلاح گردد. همچنین مواردی که گفتند تعاریف مختصر است. در خصوص تفاوت پارادایمی بیان شد که سعی شده با استخراج اصول مشترکی که صدرا در خصوص تجرد نفس استفاده کرده است این تفاوت پارادایمی را به حداقل برسانیم. در خصوص این که نفس در بدایت امر هم جوهر است توضیحاتی به رساله اضافه خواهد شد. دلیل صدرایی بر تجرد نفس نباتی هم اضافه خواهد گردید. در خصوص شفاف نبودن ضابطه در تعریف مادی و مجرد با استفاده از منطق فازی بیان شد که غرض پژوهشگر بیان تعریف جدید بوده نه بیان ضابطه ولی با این حال ضابطه را شفاف تر بیان خواهیم نمود. در خصوص اصل اوکام و اعداد هم قرار شد مطالبی اضافه شود تا شفافیت بیشتر حاصل شود. از مقاله دکتر سعیدی مهر هم استفاده خواهد شد. سپس آقای دکتر علیرضا منصوری یکی از داوران داخلی به نکات ذیل پرداخت:

از منطق فازی چه استفاده‌ای در رساله شده است؟ اصل اوکام مفصل تر بیان شود. با چه مجوزی اوحدی از ناس را به مباحث آماری ربط داده اید؟ فصل ۴ و ۶ خیلی کوتاه است.

پاسخ دانشجو

فصل ۴ و ۶ ادغام خواهد شد. روش رساله استفاده از منطق ارسطویی است، اما از منطق فازی در مبحث واحد حقیقی ذومراتب بودن نفس انسانی استفاده شده است که به آن تصریح خواهد شد. اوحدی از ناس به معنی این است که ممکن است در هر صد سال یک نفر واجد خصوصیت ذکر شده باشد، لذا می‌توان به لحاظ علم آمار گفت که احتمال وقوعش بسیار کم است.

سپس استادان مشاور و راهنما آقای دکتر هادی و کیلی و خانم دکتر اعظم قاسمی در دفاع از دانشجو نکاتی را بیان نمودند. در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشسته و با اعطای نمره ۱۹ و درجهٔ عالی به رسالهٔ دانشجو، وی را دانش‌آموختهٔ مقطع دکتری رشتهٔ حکمت متعالیه تشخیص دادند.



ای نام تو بهترین سرآغاز

نگاه تو، نگاه ناب رودابه
همی هنگامه زادن،

زادن رستم،
رستم هوش و شکوه ایزدانی، آسمانی!

نگاهت آبی دریا،

شکيب صد کویر،
از پای الوند تا دماوند!

ای سپیدای اهورایی!

سراسرا سوختی ما را

از این سوگ غریبانه،
از این اخگر به کاشانه!

ای تمنای کلان جاری!

به سیل بارش اشک هزاران چشمه سارِ مام میهن!

دخت ایران! شاهد سینا و خوارزمی، دخت خیام!

آذرخش کوه و دریا!

چرا رودابه را، رودابه را

در لحظه‌های نادر دشوار!

پاس نگذاشتی؟!

چرا سیمرغ را، سیمرغ را

همراز ننگاشتی؟!

ای فراز آسا

چو البرز، چون دماوند!

در رثای بانوی نابغه ایرانی، مریم میرزاخانی
(ف. حق شناس)

مدیرمسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: خوریه احدی

هیأت تحریریه: سمانه خودچینی، محسن باباخانی، شهرام اصغری

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.iwcs.ac.ir

کانال تلگرام @ihcss